

خیزش مردم اهواز، علیه رژیم خمینی



دوشنبه ۶ خرداد ۱۳۶۴ برابر ۲۷ مه ۱۹۸۵
۴۰ ریال - سال دوم - شماره ۵۸

دور تازه جنگ شهرها آغاز شده است

با گسترش مبارزه در راه صلح، جنگ افروزان را منکوب کنیم!

این روزها در اهواز...

به صد زبان بیان می شود، ناخفته بگریزند آنها را آن دارند تا کوشش های مجامع بین المللی را در یافتن راه حل مسالمت آمیز اختلافات نادیده بگیرند. جنایات مدعی که در مرحله پیشین صورت گرفته بود و به کشتار هزاران تن انجامیده است، اینک باردیگر تکرار می شود. خمینی سر آن دارد تا هزاران هموطن ما را در راه آزمندیهای سوداگرانه اش به خون بکشد. باز هم هزاران کودک و پیر و جوان را در زیر آوار بمبارانها مدفون نماید.

در مرحله پیشین مردم میهن مادر سر کشور با برپایی تظاهرات شوراها، علیه جنگ افروزیهای رژیم جنایت پیشه خمینی ابراز انزجار کردند. در برابر تشدید مبارزات مردم، خمینی دست و پایی نداشت تا تسلیم نشود. اما مبارزه علیه جنگ فراگیر شده است. هر گام خمینی در تشدید جنگ و هر دور تازه از تصاعد جنگ، جنبش ضد جنگ را گسترده تر می کند. پیکار در راه گسترش و ورش این جنبش وظیفه همه کسانی است که عشق به میهن را در دل دارند. در فراز چنین جنبشی است که صلح به میهن بلا کشیده و ویران شده ما باز خواهد گشت.

عملیات جنایتکارانه ای که به جنگ شهرها موسوم شده، پس از شش هفته باردیگر در روزهای اخیر توسط رژیم های ضد مردمی ایران و عراق از سر گرفته شد. تاکیدات مکرر سردمداران جنایتکار جمهوری اسلامی در ادامه جنگ، به حکومت اسلامی عراق فرصت داده است تا فرمان حمله مجدد به شهرها و مناطق مسکونی را صادر نماید. همزمان با عملیات نیروی هوایی عراق در آسمان پایتختهای کشورها، رژیم جمهوری اسلامی نیز به کشتار مردم عراق از طریق بمباران های هوایی و یا توسط آتش توپهای سنگین و دوربرد پرداخت. دو رژیم اعلام داشته اند که ندارند گسترش باز هم بیشتر عملیات جنگی را دیده اند. آتونه که برخی خبرها نشان می دهد، رژیم خمینی خود را آماده کرده است که در ماه رمضان عملیات زمینی گسترده ای انجام دهد تا بار دیگر هزاران جوان و نوجوان ایرانی را در مردابها و تنزارهای منطقه مرزی مدفون شوند.

آغاز دوره جدید جنگ شهرها به معنی اینست که جنگ افروزان تبعکار حاکم بر ایران و عراق همچنان می کوشند، غریو "مرگ هر جنگ" مردم دو کشور را که

رژیم پیش از اوج گیری حرکت اعتراضی مردم اهواز در روزهای ۲۴ و ۲۵ اردیبهشت مذبحخانه به تلاش افتاد تا حرکت مردم را مهار کند. مسئولین رژیم از یک سو بر تمهیدات امنیتی افزوده و به ارگان های انتظامی خود دستور آماده باش دادند، و از سوی دیگر در صدد به اصطلاح دلجویی از خلق عرب برآمدند. موسوی جزایری، امام جمعه اهواز در روز ۱۶ اردیبهشت به محله عرب نشین لشکرآباد در اهواز که کانون اصلی حرکت بوده است رفته و با توجه به این که انتظار داشت در برابر توهینی که به خلق عرب

خوزستان شده بود، واکنش خشمگینانه ای بروز نماید، کوشش کرد دست به عوام فریبی زند. عوام فریبی وی تافیری به جا نگذاشت. تنها ۵۰ پاسدار و بسیجی در سفر خاکی او حضور داشتند.

موضوع از ساله تومین به خلق عرب فراتر رفت. مردم تقریباً هر روز در گروه های کوچک به ویژه در محلات لشکرآباد، امانیه و کمپلو گرد آمده و برای دست زدن به یک حرکت گسترده ابراز آمادگی می کردند. رژیم مستاصل شده بود. افزودن بر تعداد گشت ها، به نمایش گذاشتن سلاح های آماده شلیک و برخی دستگیری ها چاره ای از پیش نبرد. فعالین فدایی با توجه به آماده بودن زمینه برای یک حرکت گسترده، بر تبلیغات خود افزودند. هر شب در محلات زحمتکش نشین و عرب نشین اهواز اعلامیه ها و تراکت هایی با مضمون ضرورت خیزش و سرنوشتی رژیم پخش شد. این تبلیغات عمدتاً در لشکرآباد متمرکز بود. در همین محله پاسداران به سوی یکی از واحدهای پخش که مورد شناسائی قرار گرفته بود، آتش کشودند.

در روز سه شنبه ۲۴ اردیبهشت جو اهواز کاملاً ملتهب بود و حرکت های جمعی مردم آغاز گردید. روز چهارشنبه ۲۵ اردیبهشت حرکت اوج گرفت و در ساعت ۱۰/۵ صبح یک تظاهرات چند هزار نفری متشکل از زحمتکشان عرب و جمعی دیگر از مردم اهواز برپا گردید. محله های لشکرآباد، امانیه و کمپلو از کانون های اصلی حرکت بودند. تظاهرات مشخصاً از امانیه آغاز شد. تظاهرکنندگان که به ست خیابان نادری حرکت می کردند، خشمگینانه به عربی و فارسی علیه رژیم و علیه تد اوام جنگ شعار می دادند.

نیروهای سرکوبگر رژیم در سربل لشکرآباد سعی کردند حرکت مردم را سد نمایند اما سبل جمعیت بی مهابا پیش می رفت. نیروهای سرکوبگر به سلاح متوسل شده و وحشیانه به روی مردم آتش کشودند. رژیم یک بار دیگر ددمنشی خود را آشکار ساخت. پاسداران از انتقال مجروحین به بیمارستان ها

بقیه در صفحه ۲

- * بمناسبت ۱۱ خرداد (اول زوئن) روز جهانی کودک
- * این گلها نسکفته می بزموند
- * سوسیالیسم، بهشت کودکان
- * کودکان در کشورهای امپریالیستی
- * کار کودکان در کشورهای تحت سلطه

در صفحات ۶ و ۷

نگاهی به موازنه بازرگانی خارجی ایران

موازنه بازرگانی خارجی کشور تحت حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، شدیداً منفی و عمیقاً اسفبار است. در مقابل واردات فزاینده و بی رویه، صادرات غیر نفتی کشور به ست صفر میل می کند. علی رغم های وهی تبلیغاتی رژیم جمهوری اسلامی مبنی بر خودکفایی و استقلال اقتصادی، آمار و ارقام، به گونه ای افشاگرانه ثابت می کنند که تراز بازرگانی خارجی ایران در رژیم جمهوری اسلامی نیز همان روند منفی دوران ستم شاهی را ادامه داده است. واردات کشور نسبت به سال های قبل از انقلاب به شدت افزایش یافته و در مقابل صادرات غیر نفتی کشور به دفعات کاهش یافته است. اما پس از آن بار دیگر پرتاب از سر گرفته شد. از سال ۶۱ تاکنون نیز وضعیت هم چنان به روال گذشته است.

بقیه در صفحه ۲

"جرگه بزرگ"

تجسم اراده ملت افغانستان
همان گونه که در شماره های پیشین اکثریت گزارش کردیم از سوم تا پنجم اردیبهشت ماه کابل مرکز جمهوری دموکراتیک افغانستان شاهد یکی از بزرگترین رویدادهای بعد از "انقلاب ثور" بود. در این روزها "لویه جرگه" (شورای بزرگ) بنا به دعوت شورای انقلابی ج. د. او با شرکت ۱۷۹۶ نفر از نمایندگان برگزیده مردم تشکیل گردید.

جرگه ها در افغانستان دارای سابقه و نقشی تاریخی هستند. "جرگه بزرگ" سال ۱۲۰۱ برنامه های اصلاح طلبانه امان الله خان را مورد تأیید قرار داد و دوستی با نخستین کشور سوسیالیستی جهان را ضمن حفظ استقلال افغانستان خواند. در سال ۱۲۲۰ "جرگه بزرگ" به تلاش های نمایندگان اداره جاسوسی آلمان فاشیستی که تلاش می کردند افغانستان را به دایره

بقیه در صفحه آخر

علیه جنگ، برای صلح، پا خیزیم!

خبرش مردم اهواز علیه رژیم خمینی

بقیه از صفحه اول

جلوگیری می کردند. مردم در برابر نیروهای سرکوبگر به مقابله برخاستند. شعار مرگ بر خمینی اوج گرفت. دم به دم بر تعداد ماشین های مملو از پاسدار که به سمت پل لشکرآباد شتابان بودند، افزوده شد. صدای شلیک مسلسل مادر سرتاسر اهواز به گوش می رسید. در محلات دینر نیز چندین حرکت موضعی به وقوع پیوست.

گفته می شود که در جریان سرکوب تظاهرات ۲۴ اردیبهشت ۸ نفر کشته و بیش از ۵۰ نفر زخمی شده اند. در جریان تظاهرات صداهای دستگیر شدن علاوه بر آن در روزهای بعد نیز دستگیری های تازه ای صورت گرفت. تظاهرات اهواز در همه جا به ویژه در شهرهای خوزستان انعکاس وسیعی یافت. رژیم که سخت وحشت زده بود و احتمال می داد در سونگردها، ماهشهر، شوش و مسجد سلیمان حرکت های مشابهی صورت گیرد، سخت به دست و پا افتاد. ارکان های امنیتی و انتظامی در سرتاسر خوزستان به حالت آماده باش درآمدند. در روز جمعه ۲۷ اردیبهشت عوامل حکومت به سرکردگی موسوی جزایری یک حرکت اوباشانه و عوامفریبانه به نفع رژیم برپا ساختند. در سونگردها، ماهشهر و شوش نیز راهپیمایی های مضحکی از عوامل حکومت به راه انداخته شد. منتظری، خامنه ای و رفسنجانی نیز به میدان آمده و به زعم خود کوشیدند برای مهار حرکت، از خلق عرب خوزستان دلجویی نمایند. هم پای این عوام فریبی ها از تکرار تهدید به سرکوب بیشتر مردم فروگذار نکردند.

نه عوام فریبی و نه سرکوب، هیچ یک نمی توانند سد راه جنبشی شوند که هر روز دامنه وسیع تری می یابد. توسل به سرکوب خشن و خونین، حکایت از قدرت جنبش و ضعف رژیم دارد. حرکت های اعتراضی پیاپی در تهران، دزفول، خرم آباد، بروجرد، مشهد، تبریز، اصفهان، اهواز و چندین شهر دیگر، نشان دهنده سرتاسری بودن جنبش و شدت انزجار مردم از رژیم خمینی است. تقریباً هم زمان با تظاهرات اهواز خبر از یک حرکت اعتراضی گسترده در احمدآباد مشهد می رسد. جنبش پیش می نازد و نیرومندتر می گردد و صحنه های بازهم شکوهمندتری از مبارزه مردم به نمایش گذاشته می شود.

نگاهی به

بقیه از صفحه اول

موازنه بازرگانی خارجی ایران

نگاهی به آمار و ارقام واردات و صادرات غیر نفتی کشور بیافکنیم:

موازنه بازرگانی خارجی ایران - به ملیون - یون دلار

سال	۱۳۵۲	۱۳۵۶	۱۳۵۷	۱۳۵۸	۱۳۵۹	۱۳۶۰	۱۳۶۱
صادرات	۶۳۵	۶۲۵	۵۴۳	۸۱۲	۶۴۵	۳۴۰	۲۸۴
واردات	۳۷۳۷	۱۴۶۲۶	۱۰۳۷۲	۹۶۹۵	۱۰۸۴۴	۱۳۵۱۵	۱۱۸۴۵
موازنه بازرگانی خارجی	-۳۱۰۲	-۱۴۰۰۱	-۹۸۲۹	-۸۸۸۳	-۱۰۱۹۹	-۱۳۱۷۵	-۱۱۵۶۱

(منبع: اطلاعات ۱۳۶۱/۱/۲۵)

کرده است. (اطلاعات ۱۳۶۱/۱/۲۵)، و جمهوری اسلامی در مقابل این حجم سنگین واردات، تنها چند هزار تن خرما، کشمش و مویز، زیره سبز، تعداد ناچیزی فرش و مقداری کلوخه صادر کرده است. (کیهان هوایی ۱۳۶۱/۱۲/۱۵)

طرف های اصلی بازرگانی خارجی کشور در رژیم جمهوری اسلامی نیز کشورهای امپریالیستی وابسته هستند. حجم مبادلات با کشورهای سوسیالیستی از رقم ناچیز گذشته نیز کمتر شده است. به نوشته روزنامه اطلاعات اول اردیبهشت ۶۴ سهم اتحاد شوروی در واردات ایران که بالغ بر ۸۱ میلیون دلار بود در سال ۶۰ به ۱۹۴ میلیون دلار تقلیل داده شد.

این ارقام به خوبی گویاست که چگونه رژیم خمینی بر سرمایه های کشور چوب حراج زده و دروازه ها را چارطاق به روی انحصارات امپریالیستی گشوده است.

سهم (به درصد)

سال	۱۳۵۶	۱۳۶۱
مواد اولیه و کالاهای مصرفی	۵۴/۱	۵۷/۹
کالاهای سرمایایی	۲۷/۵	۱۹/۵
کالاهای مصرفی	۱۸/۴	۲۲/۶
جمع	۱۰۰	۱۰۰

همان گونه که در جدول دیده میشود، تنها در سال ۵۸، انقلاب این روند را متوقف ساخت. در معدل گیری، ماه های نخست سال های ۶۱ الی ۶۳، صادرات غیرنفتی به ترتیب ۲۵٪، ۲۴٪، ۲۶٪ کاهش یافته است. و در مقابل میزان واردات کشور از رقم کلان سال ۶۱ (۱۱/۶ میلیارد دلار)، یک باره دوبرابر شده و به ۲۲ میلیارد دلار بالغ گشته است. (میدل ایست اکونومیکال دایجست - نوامبر ۱۹۸۴) باید خاطر نشان ساخت که در برنامه پنج ساله اول جمهوری اسلامی که در تاریخ ۶۲/۵/۲۵ از سوی موسوی، نخست وزیر به مجلس ارائه شده بود، درباب واردات آمده است که: میزان واردات کشور بارشد متوسط سالانه معادل ۶/۵ درصد، در سال ۱۳۶۶ به میزان ۲۱۰۸/۶ میلیارد ریال خواهد رسید. ولی حکام جمهوری اسلامی "میان بر" زده، و ره چند ساله را چند ماهه طی کردند. هنوز مرکب برنامه پنج ساله خشک نشده بود که حداقل به این یک قلم از "برنامه پنج ساله عمرانی" جامه عمل پوشاندند!

جدول ترکیب واردات کشور از موازنه بازرگانی خارجی جمهوری اسلامی به مراتب اسفناک تر است. در جدول مقابل می توان مشاهده نمود که سهم کالاهای مصرفی و مواد اولیه و کالاهای واسطه ای در جمهوری اسلامی حتی از زمان شاه آمریکایی نیز بیشتر گشته و سهم کالاهای سرماییه ای کاهش و نقصان یافته است.

واردات مواد غذایی ۱/۵ میلیارد دلار در سال ۱۳۵۲، به ۲/۲ میلیارد دلار در سال ۱۳۶۱، ترقی

تا اینکه برادر در شهر دیگری در یک دانشکده بصورت شبانه روزی پذیرفته می شود و ماهیانه ۷۲۰ تومان کمک هزینه تحصیلی می گیرد برای اوقظ ممکن بوده که روزهای پنجشنبه و جمعه به شهر خودشان نزد برادرش (بیمار من) برود. او هر بار برای برادر کوچکش مقدار زیادی نان می خرید و می برد و تازه بعثت دوری راه و سنگینی کارهای تحصیلی کمی بعد این مدت به یک ماه هم می رسید و به اجبار برادرش را برای یکماه رها می کرد. در نتیجه بعثت کمبود خوراک و سوء تغذیه (نان خالی)، نوجوان بتدریج تحلیل رفت و برادر بزرگتر شاهد از بین رفتن تدریجی برادر کوچکتر بود و کاری هم از دستش ساخته نبود. اکنون این نوجوان علیل در جامعه رها شده است و برادر بزرگتر نیز از شدت ناراحتی قادر به ادامه تحصیل نیست.

سوء تغذیه، اختلال شدید در گویائی، بی تفاوتی شدید نسبت به انگیزه های محیطی، بی اشتها، بی تعادل حرکتی و... که اکثر این عوارض غیر قابل معالجه به نظر می رسیدند و ظاهراً دچار آسیب های شدید عصبی و عقب ماندگی ذهنی شده بود. برادرش می گفت پدر و مادرشان بر اثر بمباران کشته شدند و قسمتی از منزلشان ویران گردید. سربدار و یک خواهر فاقد درآمد، باقی ماندند. برادر بزرگتر که دیپلم داشت، به هردری می زند تا کاری بیابد ولی نتیجه ای نمی گیرد، روزها و شبها فقط نان غذای آنان بود. خواهر بزرگتر که در شهر دیگری زندگی می کرد و شوهر و چند بچه داشت، وقتی وضع فلاکت بار آنها را می بیند، و دوفرشان را که کوچکتر بودند نزد خود می پذیرد و برادر بزرگتر می ماند و بیمار من!

از میان نامه ها

نامه یک پزشک

...وقتی اولین بار او را دیدم، فکر کردم کودک بیماری است، مانند دیگر بیمارانش، ولی وقتی برادرش وضعیت او را برایم شرح داد، قلبم فشرده شد. بیماری که او را کودک پنداشتم، درحقیقت نوجوانی بود حدوداً چهارده ساله، دچار عوارض شدید کمبود سوء تغذیه، دارای جگر بسیار نحیف و وزنی در حدود ۱۸ تا ۲۰ کیلو، لرزش های شدید بدن بخصوص در دستها و پاها، عوارض پوستی شدید ناشی از

ابراز همبستگی سراسری کارگران فرانسه با کارگران و مردم ایران

در چهارمین هفته ماه آوریل تشکلهای کارگری فرانسه "هفته همبستگی با کارگران و مردم ایران" را برگزار کردند.

اتحادیه سراسری کار "ث. ژ. ت." بزرگترین و پیشروترین اتحادیه کارگری فرانسه طی اطلاعیه‌ای از فعالین و سازمان‌های خود خواست "به هر شکلی که مناسب می‌بینند پشتیبانی خود را از کارگران ایران در راه دستیابی به:

– برقراری حقوق دموکراتیک، به ویژه حقوق سندیکیایی در ایران؛

– آزادی زندانیان و پایان بخشیدن به اختناق پایان دادن به جنگ نفرت انگیزی که مصائب بی‌شمار برای مردم دو کشور (ایران و عراق) به بار آورده و کانون خطرناکی از تشنج در منطقه ایجاد کرده است، اعلام دارند."

بدین ترتیب در آستانه اول ماه مه در بسیاری از شهرهای فرانسه، ارگان‌های محلی "ث. ژ. ت." به معرفی جنبش کارگری ایران و چاپ مطالب افشارانه علیه رژیم جمهوری اسلامی پرداختند.

در شهر کان (نرماندی) آقای پوتو دبیر ایالتی "ث. ژ. ت." در استان کالوادوس، در خطبی که در آغاز راهپیمایی اول ماه مه ایراد کرد، ابراز داشت:

"ما نمی‌توانیم به آنچه که در ایران می‌گذرد بی‌تفاوت باشیم. ادامه جنگ خائمانسوز و تجاوز رژیم جمهوری اسلامی به حقوق بشر، "ث. ژ. ت." را بر آن داشت تا هفته‌ای را که گذشت به هفته‌ای برای جلب افکار عمومی فرانسه و ابراز همبستگی با

کارگران در حال مبارزه ایران اعلام دارد."

از طرف "کنفدراسیون فرانسوی دموکراتیک کار" واحد مونیخ پلیه تلگرامی به شرح زیر برای سفارت جمهوری اسلامی در فرانسه ارسال شد:

"متأثر از خبرهای رسیده از کشور شما و هم چنین وضع جنگی که هم چنان بین کشور شما و عراق ادامه دارد و نظر به علاقه و روح همبستگی که ما را با همه کارگران متحد می‌کند، صدای اعتراض خود را بلند کرده و از دولت شما خواستار:

– نجات جان دموکرات‌های زندانی

– لغو شکنجه و همه اعمال غیر انسانی

– تشکیل یک هیئت بازرسی جهت بررسی وضع زندانیان

– کشایش مذاکرات بین طرفین متخاصم جهت رسیدن

به صلح عادلانه و بدون الحاق خاک کشوری به کشور

دیگری باشیم."

هم چنین روزنامه انیسیاتیر وابسته به اتحادیه ملی دانشجویان مون پلیه مقاله مبسوطی درباره وضعیت دانشجویان و جوانان ایران و سرکوب‌گری‌ها، ترور و اختناق اعمال شده توسط رژیم ایران درج نموده است.

فدائیان خلق در فرانسه در بسیاری از شهرهای این کشور نظیر مون پلیه، نانت، ماری، نیس، تولوز، گرونوبل، لیون، پاریس و... ضمن شرکت فعال در برگزاری "هفته همبستگی با کارگران و مردم ایران" برای برگزاری عرچه باشکوه‌تر راهپیمایی و مراسم اول ماه مه و جلب حمایت زحماتشان فرانسه از مبارزات مردم ایران اقدامات ویژه‌ای را تدارک دیدند.

مقاومت مردمی علیه رژیم ترور به حالت فعال درمی‌آید

روزنامه مورنینگ استار در شماره ۱۴ مه خود در مقاله‌ای به تبیین بیانیه مشترک حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) پرداخته است. در این مقاله آمده است: "کمونیستهای ایران در یک بیانیه جدید و بسیار مهم اعلام نمودند که یک بحران عمومی این کشور را فرا گرفته و مقاومت علیه رژیم بنیادگرای اسلامی این کشور از یک حالت انفعالی به مقاومت فعال تغییر یافته است."

"ترجمه بیانیه مشترک ۱۰ هزار کلمه‌ای این هفته به لندن رسید. بیانیه مذکور همزمان با رشد نارضایتی عمومی در کشور که در تظاهرات و اعتراضات عمومی گسترده در هفته‌های اخیر انعکاس یافت، منتشر گردید."

بیانیه دو سازمان خیر از مقاومت گسترش یابنده خلق می‌دهد که در شرایط شدیدترین ترور و اختناق در بطن جامعه نضج می‌گیرد و بسط می‌یابد. و رژیم اسلامی، ایران را بسرعت بسوی یک بحران عمومی سوق می‌دهد...

هر دو سازمان مخالفت خود را با یک رژیم ارتجاعی - تئوکراتیک "تحت هر شکل و هر عنوان" ابراز نمودند...

دو سازمان مشخصات عمده برنامه‌ای را ارائه داده‌اند که به اعتقاد آنها می‌تواند اساس جبهه متحد را تشکیل دهد. این برنامه شامل اقداماتی در زمینه تحول اقتصادی، رفاه ارضی، پایان دادن به جنگ با عراق، تامین آزادیهای دموکراتیک و برسمیت شناختن حقوق ملیتها می‌باشد."

دفاع از زندانیان سیاسی ایران

کمیته "دفاع از زندانیان سیاسی ایران در شهر "بارودا" - ایالت گجرات هندوستان تشکیل جلسه داد. این کمیته که از شخصیت‌های سرشناس و پیشرو این ایالت تشکیل شده است به اتخاذ تدابیری جهت افشارگری بیشتری علیه ارتجاع حاکم بر ایران اقدام نمود. این کمیته، نامه و قطعنامه‌های زیرین را صادر نمود:

– قطعنامه مربوط به جنگ ایران و عراق

– قطعنامه مربوط به زندانیان سیاسی در ایران

– نامه به سردبیر دو روزنامه تایمز و اکسپرس چاپ هندوستان

– نامه مربوط به نقض حقوق بشر در ایران و اعتراض به خفقان و سرکوب برای دبیر کل سازمان ملل، رئیس جنبش غیر متعهد و سازمان عفو بین‌المللی ارسال شد.

روزنامه تایمز هندوستان و روزنامه گجراتی Yug prabhav در شماره ۱۶ آوریل خود به درج خبر اجلاس و اقدامات این کمیته پرداخته‌اند. در روزنامه اخیر قتل رفقا قربانعلی مؤذنی پور، مرتضی میثمی، منصور پورچیم و تقی قانع خشکه نیجاری شدیداً محکوم شده است.

پیام صلح و دوستی مردم و بویژه جوانان ما را به گوش

جهانیان رساندند. در این رابطه نمایندگان عکسی با عنوان "جوانان قربانیان جنگ ایران و عراق" در غرفه ایران برپا گردید و اعلامیه‌ها و برچسب‌های متعددی علیه جنگ و اختناق در ایران توزیع شد. آنان در جلب توجه افکار عمومی نسبت به جنایات رهبران جنگ طلب جمهوری اسلامی فعالیت چشمگیری داشتند.

"به این جنگ جنایتکارانه خاتمه دهید!"

از سوی گروهی از سازمانها، احزاب و جمعیت‌های مترقی هندوستان درخواست نامه‌ای خطاب به مردم هند و همه نیروهای مترقی انتشار یافت که در آن رساتر کردن فریاد اعتراض علیه تداوم جنگ ایران و عراق خواسته شده است. این فراخوان به اعضای نمایندگانی از احزاب، سازمانها و جمعیت‌های زیر رسیده است:

حزب کمونیست هند، فدراسیون سراسری جوانان هند، فدراسیون جوانان دموکرات، فدراسیون جوانان هند، کمیته صلح بوپال، سازمان سراسری صلح و همبستگی هند، بوپال، فدراسیون سراسری دانشجویان هند، حزب کمونیست هند، بوپال...

جشن تدارک جشنواره مسکو

از سوی "کمیته تدارکاتی جشنواره جهانی جوانان مسکو" در سوئد، روز ۱۳ آوریل جشنی در محل "خانه مردم" شهر استکهلم برگزار شد. این جشن مورد استقبال جوانان ترقیخواه و صلحدوست این شهر قرار گرفت.

فدائیان خلق ایران (اکثریت) در سوئد که از اعضای فعال کمیته تدارکاتی جشنواره هستند در برگزاری این جشن و سیما شرکت داشتند. در این جشن برنامه‌های متنوع هنری نیز اجرا گردید که از میان آن‌ها می‌توان از اجرای رقصهای محلی ایرانی توسط گروه رقص "طلوع" نام برد.

فستیوال جوانان و صلح

چهارمین فستیوال جوانان و صلح در فرانسه امسال در شهر بندری لوهاور برگزار گردید. این شهر که از طرف شورای شهر به عنوان شهر جوانان و صلح اعلان شده بود در روزهای هجدهم و نوزدهم ماه مه شاهد برگزاری این فستیوال بود.

جوانان فدائی خلق ایران (اکثریت) در فرانسه و سازمان جوانان و دانشجویان دموکرات ایران در فرانسه نیز با شرکت خود در این فستیوال

از رویدادهای ایران

جنگ شهرها از سر گرفته شد

بارد پیشنهاد آتش بس در ماه رمضان از سوی جمهوری اسلامی، در روز چهارشنبه اول خرداد سه هدف اقتصادی ایران شامل یک نیروگاه برق، یک تلمبه خانه نفت، و یک منبع آب در اطراف شهرهای اهواز، دزفول و خرم آباد مورد حمله هواپیماهای عراقی قرار گرفت. به دنبال این حملات روزنامه التوره ارکان حزب بعث عراق نوشت که حمله علیه هدفهای اقتصادی ایران ادامه خواهد یافت.

جمهوری اسلامی نیز متقابلاً در روز ۵ شنبه تاسیسات برق عراق واقع در شمال کرکوک و دیتری در جنوب شرقی این کشور، از طریق حمله هوایی به راکت بست.

پیشنهاد آتش بس در ماه رمضان، در روز ۲۸ اردیبهشت از سوی صدام عنوان شد. جمهوری اسلامی بلافاصله این پیشنهاد را رد کرد، به دنبال رد این

پیشنهاد، در روز سه شنبه ۲۱ اردیبهشت شهر مندلی و شهرک گرنا زیر خمپاره باران ارتش ایران قرار گرفت و سرفرماندهی ارتش عراق اعلام کرد که هفت قایق گشتی ایرانی را غرق کرده و به یک هدف دریایی در اطراف جزیره خارک حمله برده است.

در روز ۵ خرداد، از سر گرفتن جنگ شهرها قلعی شد. هر دو رژیم برای گرفتن قربانی از مردم بی پناه، دندان تیز کردند. عراق در سحرگاه این روز دو محله مسکونی را در تهران بمباران کرد. به گزارش رادیوی جمهوری اسلامی تا ظهر روز یکشنبه ۶ کشته و ۱۲ زخمی از زیر آوار بیرون کشیده شدند. شهرهای ایلام و مریوان نیز همزمان با تهران توسط هواپیماهای عراقی بمباران شدند. در جریان این حملات حداقل ۱۵ نفر کشته شدند. دو موشک زمین به زمین نیز به سوی کرمانشاه و اسلام آباد شلیک شد. به دنبال این حملات، به شهرهای ایلام، کیلان غرب، سرپل ذهاب، دهلران، بانه، پیرانشهر و مریوان نیز حمله هوایی شد. عصر روز یکشنبه شهر النماره عراق مورد حمله هوایی جمهوری اسلامی قرار گرفت. ستاد مشترک ارتش نیز خبر از یک سلسله درگیریهای محدود در جبهه های شمال غرب، غرب و جنوب داد.

وزیر خارجه عربستان: من از سفر به تهران بسیار خرسندم

شاهزاده سعود الفیصل بقیولانند که جمهوری اسلامی رژیم راستگرای است که اختلاف ویژه ای با کشورهای ارتجاعی منطقه ندارد و رادیکال بودن این رژیم شایعه ای مربوط به گذشته است. بر همین اساس مقامات رژیم در اظهارات علنی خود خطاب به سعود الفیصل خواهان آن شدند که عربستان سعودی حمایت خود را از عراق قطع کرده و در جنگ پشتیبان جمهوری اسلامی باشد.

سعود الفیصل با خوشنودی تهران را ترک گفت. وی در این مورد گفت: "من از این سفر که نتایج بسیار خوبی داشته است، خیلی خرسندم." وی در هنگام ترک تهران در فرودگاه مهرآباد اظهار امیدواری کرد که روابط جمهوری اسلامی با عربستان سعودی توسعه و تحکیم پیدا کنند.

سعود الفیصل در ملاقات با ولایتی، وزیر خارجه، از او برای سفر به ریاض دعوت کرد. هنوز تاریخ این سفر اعلام نشده است.

سفر وزیر خارجه عربستان به تهران بازتاب وسیعی پیدا کرد و در همه محافل سیاسی و مطبوعات بین المللی بسیار مهم و معنی دار تلقی شد.

شاهزاده سعود الفیصل وزیر خارجه عربستان سعودی که در روز شنبه ۲۸ اردیبهشت برای ملاقات با مقامات جمهوری اسلامی به ایران سفر کرده بود، در روز دوشنبه ۲۰ اردیبهشت تهران را ترک گفت. وی در جریان سفر خود به تهران با علی خامنه ای رئیس جمهور، هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس، میرحسین موسوی نخست وزیر و علی اکبر ولایتی وزیر خارجه جمهوری اسلامی ملاقات کرد.

خامنه ای در دیدار با شاهزاده سعود الفیصل تاکید کرد که "پیوندهای بسیاری بین عربستان سعودی و جمهوری اسلامی وجود دارد که می تواند همکاری های دوجانبه را افزایش دهد." هاشمی رفسنجانی نیز به وی گفت: "کشور ما و شایه دلایل زیادی می توانند روابط بهتری داشته باشند."

جزئیات مذاکرات بین سعود الفیصل با مقامات رژیم جمهوری اسلامی که جنگ ایران و عراق و روابط دو کشور ایران و عربستان سعودی دو محور اصلی را تشکیل می داده اند، فاش نشده است. از اخبار رسمی رسانه های جمهوری اسلامی می شود چنین استنباط کرد که در این دیدارها مقامات رژیم کوشیده اند به

در روز یکشنبه هاشمی رفسنجانی در مجلس اعلام کرد که ایران شهرهای عراق را بمباران خواهد کرد. میرحسین موسوی، نخست وزیر نیز به شدت عراق را تهدید کرد و از مردم بغداد خواست پایتخت را ترک کرده و به شهرهای مذهبی عراق پناه ببرند. وی گفت ما به حملات خود تا سرنگونی صدام ادامه می دهیم.

به این ترتیب دوباره آژیرهای قرمز به صدا درآمدند تا منادی دورچیدی از کشتار مردم به دست دورژیم جنایتکار باشند.

رئیس مجلس خبرگان:

مردم حق ندارند از صلح سخن بگویند

آیت الله مشکینی رئیس مجلس خبرگان شدیداً به مخالفین جنگ حمله کرد و گفت کسی حق ندارد از صلح سخن بگوید. وی گفت: "هر کس ندای صلح سر دهد بداند که بیانا آگاه است و یا از گروه های محارب و دشمن اسلام است." وی همچنین تاکید کرد: "کسانی که برای ما نامه نگاری می کنند که جنگ و برادرکشی تا کی ادامه می یابد یا ناآگاهند و یا از جایی دستور می گیرند و از کسانی هستند که عیش و عشرت و خوشگذرانی آنها کم شده. و لذا فریاد صلح غلطی سر می دهند."

روزنامه کیهان نیز در شماره ۲۶ اردیبهشت خود در مقاله سیاسی توجه برانتیزی با عنوان "پیروزی و شکست اسلام در گذرگاه جنگ و صلح" مضمونی شبیه به این سخنان مشکینی را تکرار کرده است. در این مقاله به شدت به جریانات و افرادی که تداوم جنگ را پس از آزادی خرمشهر بیهوده تلقی کرده و محکوم می کنند حمله شده است.

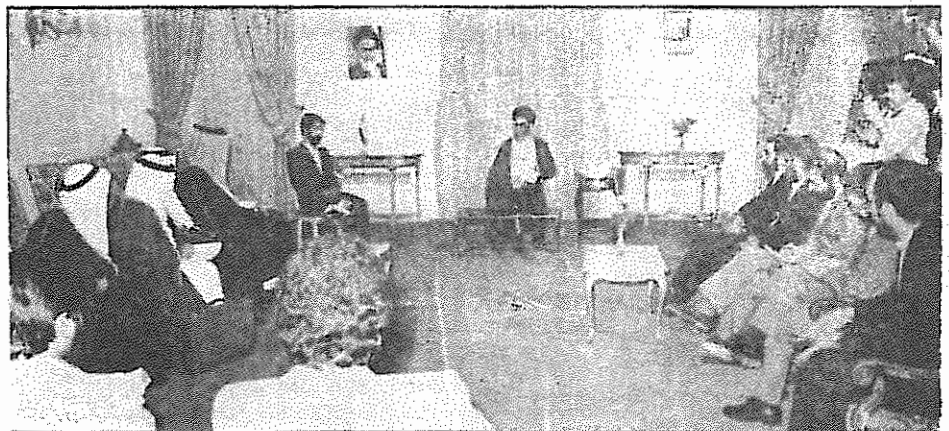
مضامینی این چنین، اخیراً در گفته ها و نوشته های مقامات جمهوری اسلامی بسیار چشمگیر شده است.

منتظری خواهان اتحاد همه گروه های
ضد انقلابی افغانی شد

گروهی از آخوندها و سرکردگان گروه های ضد انقلابی افغانی در روز دوشنبه هفته گذشته با آیت الله حسینعلی منتظری ملاقات کردند. وی در این ملاقات خواهان اتحاد همه گروه های ضد انقلابی افغانی شد.

منتظری خطاب به جمعی از نمایندگان و سرکردگان این اشرار گفت: "گروه های مختلف و پراکنده که اکنون وجود دارند، باید متحد شوند و یک جبهه واحد وجود آورند." وی بدانها تاکید کرد که برای تشکیل این جبهه لازم است رهبری روح الله خمینی را بپذیرند. وی در این مورد گفت: "امروز بهترین و قوی ترین محور رهبری حضرت امام خمینی مدظله العالی است که در پرتو آن تمام تفرقه ها و اختلاف کلمه ها، به وحدت کلمه بدل خواهد شد."

لازم به ذکر است که در چند هفته اخیر اختلاف بین گروه های ضد انقلابی افغانی بر سر سهمشان از بودجه هفتگی که آمریکا برای ضربه زدن به جمهوری دموکراتیک خلق افغانستان اختصاص داده است، به اوج رسیده و به درگیری های خونینی منجر شده است. بقیه در صفحه ۱



حجت الاسلام رئیس جمهورخامنه ای در حضور شاهزاده سعود الفیصل وزیر خارجه عربستان



اخباری از خوزستان

اهواز

در پی تظاهرات اخیر مردم اهواز دستگیری‌های گسترده‌ای صورت گرفت. بگونه‌ای که زندانهای این شهر و بازداشتگاههای سپاه و کمیته به هیچ رو کتبیایش پذیرش آنها را ندارد. در اهواز تعداد زندانیان سیاسی، پیش از دستگیری‌های اخیر به ۲۰۰ تن می‌رسید. آنها در شرایطی بغایت غیر انسانی در زندان‌های متعدد این شهر در بند هستند. تنها در زندان کارون ۱۶۰۰ نفر زندانی شده‌اند. ۱۴۰۰ نفر را نیز در زندان والفجر و بازداشتگاههای سپاه در چهارشیر و بازداشتگاههای کمیته در کیان پارس، فلکه پاداد و بازداشتگاه دادگاه انقلاب در کیان پارس به بند کشیده‌اند.

زندان‌های اهواز از مخوفترین زندان‌های رژیم جمهوری اسلامی به‌شمار می‌آید. بخاطر تنگنای جا برای زندانیان حتی امکان خوابیدن هم وجود ندارد. در زندان کارون زندانیان سیاسی بناگزیر نوبتی می‌خوابند. فرصت خوابی آنها در طول هفته فقط ۲۰ دقیقه است. روزانه حداقل ده دقیقه وقت برای دستشویی و نظافت دارند. شکنجه زندانیان با کابل حتی پس از طی دوره بازجویی نیز ادامه می‌یابد. بیماری‌های گوناگون همه گیر است. کمتر کسی است که به بیماری‌های پوستی از قبیل گال دچار نشده باشد.

با وجود این شرایط دهنشناک، زندانیان سیاسی اهواز با روحیه‌ای رزمجویانه به آرمانهای خلق وفادار مانده‌اند. آنها در جهت فراهم ساختن شرایط بهتر در زندان، به طور جمعی مبارزه می‌کنند. ممنوعیت اکید هرگونه حرکت جمعی از سوی زندانبانان، سد راه آنها نیست. مثلا در آذر ماه زندانیان سیاسی دست به اعتصاب زدند تا به برخی از حقوق خود دست یابند. این اعتصاب در سطح شهر اهواز بازتاب یافت. مردم این شهر با زندانیان اعتصابی ابراز همبستگی می‌کردند. این اعتصاب زندانبانان را وادار به عقب‌نشینی‌هایی کرد و تغییراتی در وضعیت خوراک، بهداشت و ملاقات پدید آورد.

کارکنان نیروگاه رامین اهواز برای دستیابی به خواسته‌های صنفی خود، کم کاری سازمان یافته‌ای را دنبال می‌کنند. از جمله خواسته‌های آنها افزایش دستمزد است.

اینک کار این نیروگاه تقریبا متوقف شده است. یک واحد آن در پی بیماریان از کار افتاده و دو واحد دیگر نیز بخاطر سوختن ژنراتور در اثر سو مدیریت، از شبکه تولید حذف شده است. در مجموع ۱۵۰۰ مگاوات برق این نیروگاه از مدار سراسری خارج گردیده است.

رامهرمز

فرار جمعی از خدمت سربازی ابعاد بی‌مانندی گرفته است. تصویب مجازاتهای سنگین برای شمولین غایب و سربازان فراری در مجلس هم نتوانسته است از گسترش موج فرار از خدمت سربازی بکاهد. به طور مثال اخیرا در شهر کوچک رامهرمز ۲۰۰ شمول به لوردسته جمعی گریختند. این عده پس از تقسیم، سهمیه سپاه پاسداران شده بودند.

مسجد سلیمان

طشت رسوایی فساد سرتاسری در ارگانهای حکومتی جمهوری اسلامی، چنان پر صدا از بام به زیر افتاده که مسئولین را به تقلل واداشته است. در برخی از مواردی که دزدی‌های مسئولین دولتی علنی می‌شود، بر زمینه درگیری‌های داخلی مسئولین، دستگیری‌هایی هم صورت می‌گیرد. در مسجد سلیمان دزدی بی‌پرده مسئولین امور جنگ زدگان، سروصدای زیادی بر پا کرد. آنها صاف و ساده ۲۰ میلیون ریال از سرمایه‌های بنیاد را بالا کشیده بودند و حتی زحمت حساب سازی و دستکاری در اسناد مربوطه را هم به خود ندادند.

ماهشهر

ادامه کار پروژه پتروشیمی ایران و ژاپن در بندر ماهشهر بار دیگر به طور کامل متوقف شده است. مباران‌های هوایی چند ماه اخیر بندر ماهشهر، بهانه‌ای به کمپانی ژاپنی داد تا تمامی کارکنان ژاپنی این مجتمع را از آنجا خارج نمایند و یکبار دیگر انجام تعهدات خویش را به حالت تعلیق درآورد.

مجتمع پتروشیمی راژی نیز از کار افتاده است. کارکنان آنجا تنها صبح‌ها به محل کار مراجعه و پس از امضای دفتر به خانه‌هایشان برمی‌گردند. بندرگاه ماهشهر نیز به حالت رکود درآمده است. بسیاری از کارکنان این بندرگاه را به بنادر دیگر کشور منتقل کرده‌اند.

شوشتر

رئیس بنیاد مسکن و مسئول حسابداری این بنیاد در شهر شوشتر بدنبال افشای اختلاس دستگیر شدند. رقم واقعی اختلاس هنوز روشن نیست. اما تاکنون ده‌ها میلیون ریال آن فاش شده است. این دستگیری‌ها، درگیری میان دستگاه حکومتی را در منطقه تشدید کرده است. سرپرست بنیاد مسکن خوزستان به دفاع از دستگیرشدگان برخاست و علیه ارگانهایی که به دستگیری آن دو تن دست زده بودند، اظهاراتی کرد.

زمین‌های مصادره شده، مسترد می‌شود

اراک - بیات، یکی از فئودال‌های شهرستان اراک بوده است. در جریان انقلاب، این فئودال با اینکه از گذشته "سهم امام" به خیمینی میداد، نتوانست زمینهایش را حفظ کند. کشاورزان بی‌توجه به "شرعی بودن" املاک بیات، آنها را مصادره کردند. ولی اخیرا با حکم مقامات، کشاورزان را از این اراضی بیرون کرده و همه زمینها را تحویل فئودال دادند. این شخص اکنون چنان اوضاع را به‌کام خود می‌بیند که در صدد دست اندازی به قطعه زمین‌های کوچک کشاورزان است. او می‌گوید من با پرداخت سهم امام در این رژیم هم سهم دارم.

جلفا - حاج عباسعلی نقی‌زاده، ارباب روستای لیورجان واقع در جلفا، اراضی و چراگاههای مصادره شده خود را پس گرفت. او که از حمایت دادگاه جلفا و مرند برخوردار است، علیه عده‌ای از دهمقانان شکایاتی طرح کرده است. او می‌خواهد دهمقانان را بخاطر عملکرد انقلابی‌شان به زندان بکشانند.

سربازگیری در خیابان

شیراز - دستگیری گسترده جوانان در خیابان‌های شهر شیراز توسط گشت بقیة الله همچنان ادامه دارد. این دستگیری‌ها به بهانه مبارزه با "منکرات" صورت می‌تیرد. اما با توجه به اینکه دستگیرشدگان بالاتر از ۱۶ سال را برای اعزام به جبهه روانه پادگان‌ها میکنند. در میان مردم گفته می‌شود هدف اصلی رژیم از این کار یافتن شمولین است. در روز چهارشنبه سوری قریب به دویست نفر از جوانان را در محلات شیراز دستگیر ساختند. والدین این جوانان در مقابل ستاد مرکزی کمیته انقلاب در نزدیکی فلکه ستاد تجمع کرده و ضمن دادن شعار خواستار آزادی فرزندان خود شدند. در برابر این اعتراض جمعی، مسئولین کمیته ناچار به آزادی غالب دستگیرشدگان گردیدند.

پول توجیبی کودکان را هم می‌ربایند

تهران - در مجتمع آموزشی سید کاظم موسوی واقع در کوی گیشا، مثل دیگر مدارس به همه دانش‌آموزان ابتدایی قلک‌هایی به شکل نارنجک داده‌اند. از محصلین خواسته‌اند با پول توجیبی خود، آنها را پر کرده و به عنوان کمک به جبهه، تحویل دهند. این اقدام در میان محصلین و والدین آنها انزجار شدید برانگیخته است.

پاسخ مستدل!

تهران - مسئول آموزش و پرورش ناحیه شرق تهران برای پاسخ‌دهی به شکایات و اعتراضات معلمان در جلسه‌ای با حضور آنان شرکت کرد. معلمان در این جلسه شکایات خود را در زمینه کمی دستمزد و ابهامات وضعیت استخدامی طرح نمودند. مسئول فوق‌الذکر بجای پرداختن به این شکایات، نطق غرائی در باره حجاب ایراد کرد و ضمن آن معلمان را بخاطر عدم رعایت حجاب تهدید به اخراج نمود.

۱۱ خرداد (اول ژوئن) روز جهانی کودک

۱۱ خرداد (اول ژوئن) روز جهانی کودک است. اولین بار توسط فدراسیون بین المللی دموکراتیک زنان در سال ۱۹۴۹ این روز برای عطف توجه به وضعیت کودکان جهان، روز بین المللی کودک نام نهاده شد و به مناسبت آن مراسمی ویژه برگزار گردید.

از آن پس هر ساله در این روز نیروهای ترقی خواه، در جهت بسیج افکار عمومی برای دفاع از حقوق کودکان، حفاظت رستی و توجه به آموزش و پرورش آنان و تأمین آینده ای سعادتمند برای گردانندگان فردی پرخ تمدن بشری، تلاش می ورزند.

این گلها نشکفته می پژمرند



در کشور ما زندگی کودکان بر بستر فقر و غرومیت و استثمار جریان دارد. آنان حتی از بدائی ترین حقوق نیز بی بهره اند. خیل عظیمی از کودکان برای تأمین زندگی خود مجبورند از صبح تا شام کار کنند. بسیاری از آنها به دلیل فقر شدید در سنین کودکی مدارس را ترک کرده و عده ای دیگر اصولاً درس و مشق را تجربه نکرده اند.

کودکان روستایی سرنوشت از پیش مقدری دارند. اکثریت قریب به اتفاق آنها از چهار پنج سالگی با رنج کار در مزارع آشنا می شوند. در شهر، بسیاری از کودکان به جانب کارگاه های کوچک رانده می شوند. شرایط کار در این کارگاه ها به گونه ایست که بزرگ سالان را از پامی اندازد تا چه برسد به کودکان.

در بسیاری از مناطق ایران نونهالان بسیاری مجبورند ساعتها در کارگاه های نمور و تاریک قالیبافی، در مقابل دارقالی نشسته، کمره برگره زنند و همراه با بافندگان بزرگسال، نواهای غم را زیر لب تکرار کنند.

بخش چشمگیر دیگری از کودکان نان آور، به دست فروشی، روزنامه فروشی و پادوبی اشتغال دارند. آنها هر روز صبح اثربه انبوه به کوچه و خیابان می ریزند، اما نه برای بازی و نشاط و مدرسه رفتن، بلکه برای جان کنند و با هزار جان کنند، نان درآوردن.

مطابق آمار دولتی در سال ۵۵ رسماً ۱۲۲۰۷۵ کودک ۱۰ تا ۱۱ ساله شاغل بوده اند. از این رقم می توان دریافت که چه تعداد زیادی از کودکان کشور به جای تحصیل به کار واداشته می شوند. این رقم در سال های اخیر بازم افزایش یافته است، چرا که در رژیم خمینی نیز هر محدودیتی را برای استثمارگران غیرشرعی می دانند. ماده ۱۲۹ قانون کار مصوب میلت دولت کار کودکان ۱۲ تا ۱۵ ساله را به بهانه کارآموزی مجاز دانسته است. طرح "کاد" که اساس آن شاکردی در نظام تولید خرده کالایی است، نمونه ای از برخورد این رژیم به امر کار کودکان و نوجوانان است.



کور دراز بکشند تا بتوانند از مرگ و آخرت تجسم داشته باشند! طبیعتاً کسب این گونه فیوضات بدون تنبیه بدنی میسر نیست.

سو تغذیه و فقدان بهداشت هر ساله گل های نشکفته بسیاری را در میهن ما پر می کند. در روستاها روزی ۲۰۵ کودک زیر ۵ سال فقط اثر ابتلا به اسهال می میرند. علت هفتاد درصد از موارد غیبت دانش آموزان ابتلا به بیماری های انگلی و عفونی است. آمار دولتی نشان می دهند که میزان مرگ و میر در کودکان ۱۲ درصد است. تنها ۱۵۰ هزار نفر از کودکان هر ساله بر اثر ابتلا به بیماری های شایع قابل پیشگیری مثل سرخک، سیاه سرفه و اسهال... تلف می شوند. (اطلاعات - ۱۵ اردیبهشت ۶۲). در روزنامه کیهان اول اردیبهشت می خوانیم که اهالی یکی از روستاهای اطراف شهرستان رودسر در نامه ای به این روزنامه نوشته اند: "در حال حاضر بیماری سل در این منطقه پیدای می کند و اهالی هر روز شاهد مرگ تعدادی از کودکان و عزیزان خود هستند بدون آنکه بتوانند کاری برای جلوگیری از مرگ فرزندان شان بکنند."

در چنین وضعیتی طبیعتاً از ورزش و تفریح کودکان نمی توان سخنی گفت. روزنامه کیهان اول اردیبهشت ماه اسفند از قول یکی از اهالی اسد شهر نوشته است که "کودکان این شهر در میان زباله ها تفریح می کنند." این امر ویژه این شهرستان نیست. در سال جاری آموزش و پرورش حتی به دوساعتی که به طور صوری در برنامه مدارس برای ورزش دانش آموزان کلاس های اول و دوم دبستان ها، اختصاص یافته بود رحم نکرد و آن را حذف نمود.

فقر، جنگ، فقدان امکانات ورزشی و تفریحی و سطح نازل آموزشی کودکان بسیاری را به ورطه فسادهای اجتماعی که هر روز بر عبق و گستردگی آن افزوده می گردد، فرو می کشد. کودکان حتی از اعتیاد به مواد مخدر نیز مسموم نشده اند. تنها در شهر زاهدان طبق آمار امور تربیتی آموزش و پرورش این شهر، در سطح مدارس راهنمایی بیش از ۱۷۰ کودک معتاد وجود دارد.

عقریت جنگ تاکنون قربانیان زیادی از میان کودکان گرفته است چه آنها که بمب و کلوله بر سرشان فرو باریده، چه آنها که به جبهه کسپل شده اند و چه



کیفیت آموزش در مدارس به شکل فاجعه باری پایین است. محیط دبستان محیط خفه و تشنج آوری است که در آن هر صبح گاه باید شعار "جنگ، جنگ، تا پیروزی" سر داد، سپس به کلاس رفت، مجدداً این شعار را تکرار کرد و آن گاه به خرافه ها و اراجیفی کوش فراداد که بر آن ها نام دانش نهاده اند. صحبت در مورد اجنه و شیاطین جوهر برنامه های ثابت آموزشی مدارس است. حتی دیده شده است که برای آموزش عملی خرافه ها کودکان را به گورستان می برند تا در

کودکان در کشورهای امپریالیستی

ایتالیا حکم فرماست. در این کشور حداقل سن برای کار کردن ۱۰ سال است. در ایالت بایرن آلمان فدرال، طی مدت کوتاهی ۲۴۴ هزار مورد نقض قوانین مربوط به کار کودکان ثبت گردید.

هفته گذشته، در آلمان فدرال چهار نوجوان، سوار اتومبیلی شده و به خارج شهر رفتند، بایک لوله پلاستیکی دود اکروز اتومبیل را به داخل آن هدایت کردند و شیشه‌ها را بالا کشیدند. روز بعد، سه نفر از آنها را مرده و نفر چهارم را نیمه‌جان یافتند. آنها در آخرین نامه خود نوشته بودند: "ما هیچ شانس نداریم... همه چیز خراب است. انسان‌ها با آن که این همه برب دارند، باز هم برب می‌سازند." بی‌کاری و فقدان چشم‌انداز برای زندگی بهتر، انگیزه هر چهار نفر برای خودکشی بود.

این همه تصادفی نیست. جامعه‌ای که در آن درآمد ملی به حد غیرقابل تحمیل ناعادلانه تقسیم می‌شود، جامعه‌ای که میلیاردها دلار صرف تدارک جنگ می‌کند، به مسابقه تسلیحاتی دامن می‌زند و زندگی و آینده بشریت را به بازی می‌گیرد، کودکان خود را خوشبخت نمی‌کند.



صاحب مزرعه آمریکایی:
- طبق برنامه دولت برای کمک به کودکان،
بچه‌ها را استخدام می‌کنم، اما خودتان
اخراجید.

گفته‌اند هر جامعه‌ای به آن اندازه سعادتمند است که سالخورده‌گان و کودکان آن خوشبخت هستند. اول ژوئن، روز جهانی کودک، مناسبتی است که ببینیم آیا در جهان ما کودکان همه جا خوشبختند، و اگر نیستند چرا.

در مقدمه بیانیه‌ای که مجمع عمومی سازمان ملل متحد ۲۶ سال پیش در مورد حقوق کودک تصویب کرد، آمده است: "بشریت موظف است بهترین چیزهایی را که در اختیار دارد، به کودکان بدهد." آمریکایی‌ها به این بیانیه رای داد. "بهترین چیزهایی" که جامعه سرمایه‌داری آمریکا به کودکان می‌دهد کدامند؟

ریگان رئیس‌جمهور آمریکا گفته است هر خانواده متوسط آمریکایی برای آن که بتواند فرزند خود را به سن هجده سالگی رسانده و مخارج تحصیلات متوسطه‌اش را تأمین کند، باید ۸۵ هزار دلار خرج نماید. اما واقعیت آن است که در حال حاضر اکثریت خانواده‌های آمریکایی نمی‌توانند چنین مبلغی فراهم آورند. در گزارشی که سناتور ادوارد کندی برای کنفرانس تهیه کرده، آمده است که پلی‌دوسال در ایالات متحده شمار کودکانی که به علت سوءتغذیه، بطور مزمین بیمار می‌شوند، حدود ۲۵ درصد افزایش یافته است. ۲۰ درصد کودکان معاينه شده از لحاظ جسمی عقب مانده‌اند. ۵ میلیون نوجوان ناچار به انجام کارهای سخت روزمزدی هستند تا بتوانند نان شب خود را تأمین کنند. در یک نظرخواهی در میان محروم‌ترین جوانان آمریکایی، ۳۸ درصد آنان گفته‌اند که اگر می‌توانستند، ترجیح می‌دادند در کشور دیگری زندگی کنند. "کمیسون ملی بهداشت آمریکا اعلام کرده است ظرف سی سال اخیر رقم خودکشی در میان جوانان سرباربر شده است. پیش‌بینی شده است در سال جاری ۵ هزار شهروند جوان آمریکایی خودکشی خواهند کرد.

در بریتانیا یک چهارم نوجوانان سیزده تا شانزده ساله به کار تمام وقت یا نیمه‌وقت مشغولند. همین وضع در مورد ۲۱ درصد از همین گروه سنی در

سوسیالیسم، بهشت کودکان

مردم کشورهای سوسیالیستی و کودکان در این کشورها در شرایط متفاوتی زندگی می‌کنند. اگر چه در کشورها نیز به ناچار باید مبالغ هنگفتی صرف نایاب شوند، اما آن‌ها این مخارج را نه برای سرازیردن پول به جیب انحصارات تسلیحاتی متحمل شوند و نه برای نابودی ملل دیگر کشورهای سوسیالیستی این مبالغ را صرفاً به دفاع از خود تخصیص داده‌اند. با این همه، و با وجود آن که امر نایاب بسیار مهم است، در این کشورها مخارج نظامی بار کمتر از بودجه بهداشت، آموزش و تفریحات و لذت بسیار کمتر از مبالغی است که صرف زندگی ادات مند برای کودکان می‌شود. در اتحاد شوروی، آموزش و هم خدمات پزشکی رایگان است. در نامه پنج ساله جاری، تنها برای بهبود شرایط زندگی مادران و کودکان ۹ میلیارد روبل در نظر گرفته شده است. دولت حدود ۱۱ میلیارد روبل به نق اصلاحات آموزشی که چندی پیش تصویب شد، تخصیص داده است. در سال ۱۹۸۴، بیش از ۲۲ میلیون کودک تاجیکستان را در اردوهای تابستانی راندند. نیمی از آن‌ها کوچکترین مخارجی برای تعطیلات متحمل نشدند و والدین نیمی دیگر نیز به ۲۰ درصد مخارج را پرداخت کردند. در اتحاد روی، کتاب‌های کودکان، فیلم‌های کودکان و کار برای کودکان در زمره بهترین کتاب‌ها، فیلم‌ها و رهاست.

در کشورهای سوسیالیستی، کودکان به معنای واقعی خوشبختند. اما مردم و دولت‌های این کشورها اموش نمی‌کنند که در بسیاری از دیگر کشورها، که وز به طور نهایی خود را از ستم و استثمار "جهان اد" رها ساخته‌اند، بیش از ۵۰ میلیون کودک در نواهی و ۱۰۰ میلیون کودک در گرسنگی زندگی کنند، روزانه چهل هزار کودک از گرسنگی می‌میرند، ۱۶۰ میلیون کودک در "حلبی‌آباد" هاسر می‌برند و ۱۵۰ میلیون خردسال تحت سخت‌ترین ایط به کار مشغولند. از این رو، کشورهای سوسیالیستی به طور خستگی‌ناپذیری برای رعایت بیانیه حقوق کودکان مبارزه می‌کنند، برای قطع نابغه تسلیحاتی می‌رزمند و هر آن‌چه در توان دارند بجام می‌دهند تا مبالغ هنگفتی که برای تولید لاج‌های مرکب‌بار می‌رود، برای تضمین سعادتمندی‌های کنونی و آینده به کار گرفته شود.

معیارهای رفاه، خوشبختی، سعادتمندی و شادی زندگی در کشورهای گوناگون و نزد ملل مختلف، تفاوت است. اما انسان‌ها، هرچاکه زندگی می‌کنند فکر سعادتمندی هستند. کودکان، بزرگترین وت بشریت، یعنی آینده آن به شمار می‌روند. همه بر باید در خدمت این آینده قرار گیرند.



کار کودکان در کشورهای تحت سلطه



می‌کند که ۷۰ درصد کارگران و نوجوانان ۱۵ تا ۱۷ ساله تشکیل می‌دهند، و می‌افزاید: "آنها درست همان مقدار کار افراد بالغ را - منتفی با مرء بسیار کمتری - انجام می‌دهند." یک سرمایه‌دار تایلندی بقیه در صفحه ۸

در کشورهای تحت سلطه امپریالیسم، درآمد اغلب کودکان شاغل، بخش مهمی از معاش خانواده را تشکیل می‌دهد. در بخش کشاورزی، کودکان همین که راه رفتن می‌آموزند، در مزرعه به کار گرفته می‌شوند. در بخش صنایع هم وضع کودکان بهتر نیست. شهرهای بزرگ از برآورده کردن ابتدایی‌ترین نیازهای میلیون‌ها روستایی که در جستجوی کار مهاجرت میکنند نیز عاجزند. در نتیجه، شمار فقرانه روز به روز، که به معنای واقعی کلمه ساعت به ساعت افزایش می‌یابد. بنابراین والدین مجبور می‌شوند برای اینکه هر طور شده تکلیف خود را از آب بیرون بکشند، بچه‌های کوچک خود را نیز سرکار بفرستند.

ارزان‌ترین نیروی کار

کار کودکان ارزان‌ترین کار است. در بسیاری از مواقع کارفرمایان، کودکان را زودتر از افراد بالغ استخدام می‌کنند. صاحب یک کارخانه نساجی در استانبول بدون کوچکترین نشانی از شرم اعتراف

ترافیک تکرانه مرگ توفان

هفته گذشته رادیو اسرائیل، رادیو آمریکا، بی. بی. سی لندن و دیگر رسانه‌های خبری امپریالیستی چارو جنگال راه انداختند که با اتومبیل سواری عده‌ای در تهران، برخی از چهارراه‌های شمال شهر بند آمده است. آنها با تکرار هر روزه این تبلیغات باد در آستین شاپور خان بختیار کردند که صاحبان اتومبیل‌های لوکس چند میلیون ریالی به دعوت ایشان بود که رنج اتومبیل‌رانی را پذیرا شدند.

نشریه نهضت ارگان بختیارچی‌ها، دیگر نشریات وابسته به این شعبه از باند‌های ضد انقلابی و کیهان لندن نیز شلوغ کاری مرسوم پیرامون آن بها کردند. نشریه نهضت نوشت، هزاران نفر، نخیر ۵۰۰ هزار نفر، نخیر ۷۰۰ هزار نفر، حالا که اینطور شد یک میلیون نفر آدم جنتلنر و شیک و پیک و سوار بر دو سه میلیون اتومبیل‌های آخرین سیستم شعار دادند: "باد ابادا مبارک بادا" (به نقل از نهضت - شماره ۱۰۷).

اینکه رسانه‌های خبری امپریالیستی با ترغیب‌های زیرکانه پیرامون دعای اخیر شاپور خان این همه هوچی‌گری کردند، به مذاق امینی‌چی‌ها، شعبه مرکزی سلطنت طلب‌ها، خوش نیامد. آنها همتاگونه که از دلارهای ارباب سهم خود را می‌گیرند، نمی‌خواهند از سرمایه‌گذاری‌های تبلیغاتی رسانه‌های ارباب‌ها ترسان بی‌کلاه بمانند. آنها چون جرات شکوه از ارباب را ندارند، دلخوری خود را به شکل لگد پراکنی به بختیار ابراز داشتند.

ایران و جهان، ارگان امینی‌چی‌ها در سرمقاله ۶ خرداد خود، بی‌آنکه نامی از بختیار ببرد، او را سکتاریست، تکرر و خائن نامید. چند روز پیش از این وقتی که کوس رسوائی عمل جنایتکارانه شاهپرستان در صوب گداری در خیابان‌های تهران عالمگیر شد و تلاش اولیه رژیم خمینی در انتساب آنها به یکی از سازمان‌های ترقیخواه نافرجام ماند، رضایم پهلوی در پیام رادیویی به بی‌عرضگی کسانی که "بمب و نارنجک و مسلسل و مواد منفجره" را به کار گرفتند حمله کرد، تا شاید دامن آلوده خود را پاک کند. او نیز بدون آنکه صریحاً از بختیار نام ببرد کوشید تنها او را مسبب این جنایت معرفی کند، تا امکان مانور

برای دیگر دستجات ضد انقلابی شاهپرست فراهم کند، نیم‌پهلوی به مرغک توفان تاخته بود که با شلوغ بازی می‌خواهد کسب "وجاهت" کند. ایران و جهان در پس جنگال‌های هفته گذشته رسانه‌های امپریالیستی این پیام تاجدار بی‌تاج و تخت رادرج کرد. دارودسته امینی اعتراض دارد که چرا یکی از شرکای شرکت سهامی شاهپرستان حقه می‌زند و به سود شخص خودش تبلیغ راه می‌اندازد. آنها بختیار را "تکرر" نامیدند.

اما قضیه چیست؟ همه می‌دانند که شاهپور خان نباید آدم تکرر باشد. آخر تکرر احتیاج به اختیار و آزادی دارد. این بیچاره "نوکر بی اختیار" چه اختیاری دارد که بسرش بزند تکرر کند نخست وزیر ۲۷ روزه شاه اگر جرات کند و در برابر اینگونه اتهامات جداگیر منصفانه عصبانی شود، حق دارد. شاهپور خان درست در چارچوب همان وظایفی عمل می‌کند که تأمین کننده سرمایه‌های میلیاردری شرکت سهامی شاهپرستان تنظیم و تدوین کرده است. شرکا و رقبای دیگر چه حقی دارند که گلایه و جیغ و داد راه بیاورند.

پس بالاخره قضیه چیست؟ چرا دستجات رنکارنگ ضد انقلابی از غالب و مغلوب اینگونه هاپیو راه انداخته‌اند، پاچه همدیگر را می‌گیرند و از سر اضطراب روی پای خود بند نمی‌شوند. یکی تند و تند "سینارهای امنیتی" راه می‌اندازد، دیگری "شورای مشروطه‌خواهی" درست می‌کند، یکی موتورسواران اوپاش چماقدار را تحت عنوان امت میلیونی به میدان می‌کشانند و دیگری بنز سواران بالای شهر را بنام ملت میلیونی به خیابان فرا می‌خواند. قضیه روشن است. اوج گیری جنبش خلق بسیاری از محاسبات را درهم ریخته است. حرکت زحمتکشان در محله ۱۲ آبان تهران و نظایر آن جنبش نیرومند کارگری، امپریالیست‌ها و همه دستجات ضد انقلابی را - چه دوست ار رژیم ولایت فقیه باشند و چه خواهان رژیم شاهنشاهی - وحشتزده کرده است. آنها عزا گرفته‌اند که چه روی خواهد داد. مبادا فرصت از دست برود اکنون رسانه‌های امپریالیستی جنگال حول ترافیک تکرانه شاپورخان را برای وارونه نمایاندن نقش خلق مفید تشخیص داده‌اند و از اینرو این همه الم شنگه برپا کرده‌اند. دیگر غرغره‌های علی امینی و دارودسته‌اش چه محلی از اعراب دارد؟

کار بدون ایمنی

شرایط کار کودکان برای سلامتی‌شان بسیار خطرناک است. در آمریکای لاتین، کودکانی که در مزارع کار می‌کنند، تحت تأثیر مواد سمی ضد آفت آسیب می‌بینند. در معادن کلمبیا، کودکان را به داخل خطرناک‌ترین نقب‌ها می‌فرستند در کارخانه‌های شیشه‌سازی تایلند، خردسالان در بیگوله‌های در بسته و بدون تهویه‌ای کار می‌کنند که در آن، شیشه را تا ۱۵۰ درجه سانتیگراد حرارت می‌دهند. در کارخانه‌های شیشه‌سازی برزیل، کودکان بخارات سمی سیلیسیم، اکسید آهن و آرسنیک را استنشام می‌کنند که بیماری‌های سخت ریوی را باعث می‌شود.

بسیاری کودکان، حین کار به ناقص العضوهای دائمی تبدیل می‌شوند. در هائیتی کودکان را از پنج سالتی و می‌دارند ظروف سنگین آب را روی سر حمل

کار کودکان در کشورهای... بقیه از صفحه ۷

"دلایل" دیگری برمی‌شمارد: "کودکان به سرعت مهارت‌های تولید ریاضی می‌گیرند. با آنان تغییر شکل تولید هم راحت‌تر است. در ضمن الکل نمی‌نوشند و مست هم نمی‌کنند." او به طور رسمی روزی دودلاره برده‌های کوچکش می‌دهد. اما در حقیقت، این بچه‌ها همین مقدار را هم نمی‌گیرند.

بدیهی است که کودکان نه اعتصاب می‌کنند و نه از اضافه‌کاری بدون دریافت مزد شکایت می‌نمایند. در مکزیک، با آن که حداقل دستمزد معادل ۴ دلار در روز است، اغلب کودکان کمتر از ۵۰ سنت در روز می‌گیرند. تقریباً هیچ کودکی نمی‌داند که برابر قانون از چه حقوقی برخوردار است. هیچ کارگر خردسالی به مزد ناچیز و شرایط کار غیر انسانی اعتراض نمی‌کند. برعکس، اکثر کودکان از اینکه کار پیدا کرده‌اند، راضی هستند.

این گلها نشکفته...

بقیه از صفحه ۶

آنها که تیره‌روزی و فلاکت ناشی از جنگ، خانواده‌ها پشان را در ورطه فقر و فاقه افکنده است. بر اثر جنگ ده‌ها هزار کودک که به همراه خانواده‌های خود خانه و کاشانه‌شان را ترک کرده‌اند و در شهرها و روستاهای دور و نزدیک آواره گشته‌اند و یا راهی اردوگاه‌های جنگ‌زدگان شده‌اند، در بدترین شرایط زیستی و معیشتی زندگی می‌کنند. در چنین شرایطی آن‌ها به سختی امکانی برای آموختن به دست می‌آورند و بر اثر زندگی در فقر و محیض‌های آلوده، در معرض ابتلا به بیماری‌های فراوان قرار دارند. فشارهای روانی وارد بر خانواده نیز آنها را به سختی می‌آزارد.

تبلیغات جنگ طلبانه رژیم کودکان را نیز از نظر دور نمی‌دارد. در مدارس و حتی کودکان‌ها نیز شعار گوشخراش "جنگ، جنگ، تاپیروزی" بر ذهن و قلب نازک و حساس کودکان به سختی سنگینی می‌کند. بر کودکان کفن می‌پوشانند، قلک‌هایی به شکل نارنجک درست آنها می‌نهند، تا برای کمک به تدوین جنگ در آنها پول ریخته و در نماز جمع‌ها، در خدمت تبلیغات نفرت انگیز رژیم قرار گیرند. سپاه و بسیج حتی از کودکان ده دوازده ساله نیز چشم نمی‌پوشند، به دست آنها تفنگ می‌دهند و راهی جبهه می‌سازند تا از میدان‌های مین عبور کنند.

سیاست‌های به غایت ارتجاعی جمهوری اسلامی، درون خانه و در آغوش خانواده نیز کودکان را آسوده نمی‌نهد. حقوق کودک جدا از حقوق مادران و حقوق خانواده نیست. کودکان قربانیان مقدم بپیش و سیاست ضد انسانی رهبران جمهوری اسلامی در رابطه با تندکوب ساختن حقوق زنان و مادرانند.

رهبران جمهوری اسلامی تاکنون به شکل‌های مختلف تأکید کرده‌اند که برای انطباق دادن جامعه با پیش‌های ارتجاعی خود باید بر روی کودکان سرمایه‌گذاری کنند و آنها را زیر آتش بار تبلیغات مسموم خود قرار دهند. جامعه به هیچ رو بر مبنای منجراهای نابهنجار جمهوری اسلامی متحول نخواهد شد. تمرکز تبلیغات بر روی کودکان، این نتیجه را خواهد داشت که نفرت از جمهوری اسلامی را حتی در آن زمانی که این رژیم به زباله‌دانی تاریخ افکنده شده است - دریاد آیندگان نیز زنده نگه دارد.

کنند. این بچه‌ها وقتی به سن ۱۲ سالگی می‌رسند، معمولاً قسمت فوقانی جمجمه‌شان بر اثر فشار زیاد و دائم صاف شده است. کودکان برزیلی، کلمبیایی و مصری که در کوره‌های آجرپزی کار می‌کنند، از ناراحتی‌های غیرقابل علاج ستون فقرات رنج می‌برند. میلیون‌ها کودک اگر زمانی به سن جوانی برسند، نیروی جسمی‌شان تحلیل رفته است.

به گزارش یونیسف، موسسه سازمان ملل متحد برای کمک به کودکان، در سراسر جهان روزی چهل هزار کودک بر اثر گرسنگی و بیماری می‌میرند. مرگ و میر نوزادان که رقم آن بسیار بالاست، هم چنان رو به افزایش است. با آهنگ فعلی رشد، هر ساله یک میلیون نفر بر رقم نوزادانی که می‌میرند، افزوده می‌شود. برای این واقعیت این دلایل وجود دارد: رنج ناشی از گرسنگی، کار طاقت فرسا و نبود کمک پزشکی.

مردم چه می کنند

مرکز توانبخشی!!

کیهان ۲۵ اردیبهشت ۱۳۶۴:

"یک کودک عقب مانده ذهنی، هنگام بازی در محوطه مرکز توانبخشی و نگهداری از این کودکان در جاده قدیم کرج داخل استخر قیر افتاد و جان سپرد...."

...کودک مذکور هنگام بازی ندانسته روی استخر رفته و به علت گرمای هوا به تدریج در داخل قیر فرو رفته و جان سپرده است."

خبر تکان کیهان می افزاید: "محوطه ناامنی که کودکان عقب مانده ذهنی در آنجا بازی می کنند مملو از چاله و سنگ و آجر پاره و ماشین قراضه می باشد که تجمع هر کدام از این اشیاء در محل، خطا بزرگی برای سلامتی کودکانی است که قادر به تشخیص زندگی محیط اطراف خود نیستند."

این سوئین باری است که کودکی در محوطه این مرکز به داخل استخر قیر می افتد...."

شرط معالجه

کیهان - ۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۴ (ستون نامه ها):

"پسر هیجده ساله ام چندی پیش (در تاریخ ۶۲/۱۲/۲۷) در اثر حادثه ای در خیابان گاندی از ناحیه مغز مجروح شد، اهالی محل او را بلافاصله به بیمارستان باستورنو رساندند و در آن حال از مسئولین بیمارستان عاجزانه تقاضا کردند که برای نجات جان وی دست به کار شوند.... (مسئولین بیمارستان)... گفتند تا پول لازم را که مبلغ بسیار

روستایی در محاصره اموال فئودالها

اطلاعات (ویژه خراسان) - سه شنبه ۱۴ اسفند ۶۲:

"فیض آباد روستایی با قدمت ۲۰۰ ساله در حاشیه جاده مشهد - تهران قرار گرفته است. این روستا با ۴۰۰ نفر جمعیت که عموماً کشاورز و دامدار هستند، یک منطقه پرورش دام محسوب می شود.... چندی پیش، ساعتی در کنار روستائیان این منطقه بودیم.... روستائیان به نحوه پرداخت وام اعتراض داشتند و می گفتند: در حال حاضر اکثر وام ها نصیب فئودال ها می شود و جز مقادیری اندک، بهره ای از وام های پرداختی نداریم که آن هم کفاف نیازهای موجود را نمی دهد."

یکی از دامداران می گفت تهیه علوفه و تغاله برای خوراک دام ها از مشکلات اساسی ماست.... اداره کشاورزی شیروان خوراک دام ها را خواره می دهد، ولی متأسفانه اداره کشاورزی قوچان از تحویل آن خودداری می کند. راه حل دیگر اینکه دولت به ما اجازه حفار چاه بدهد تا بتوانیم ۶۰ هکتار زمین بایر این منطقه را زیر کشت بکنیم، جو و علوفه بپریم. علاوه بر این، دولت می تواند با احداث یک سد، آب رودخانه اترک را به این روستا بیاورد و امکانات آبیاری و کشت ۲۰۰ هکتار زمین را به ما بدهد...."

دامدار دیگر روستای فیض آباد گفت: مدت هاست که برای تعمیر آخور دام های خود از ستاد بسیج اقتصادی قوچان تقاضای سیمان کرده ایم ولی در جواب به ما گفته اند سیمان را فقط برای تعمیر منازل تحویل می دهیم...."

روستایی دیگر گفت: فیض آباد در محاصره زمین های فئودال ها است و در حصار تنگ مزارع آن ها، قدرت گسترده شدن ندارد. از این رو اهالی فیض آباد از نظر جا شدیداً در مضیقه هستند و با گسترش خانواده ها و تشکیل کانون های جدید خانوادگی در روستا، این مشکل روز بروز حادتر می شود...."

خانواده رضائی سل در روستای نادمی کند

کیهان - یکشنبه - اول اردیبهشت ۶۴ (ستون نامه ها):
"اهالی روستای ولنی (اشکور) از توابع شهرستان رودسر مدت هاست دچار امراض سنتی و غیره از جمله سل شده اند. این منطقه که فرسنگ ها از رودسر فاصله دارد فاقد هر گونه ارتباط از جمله جاده می باشد، عدم وجود جاده موجب گردیده تا اهالی از داشتن بهداشت بی بهره بوده و روز به روز بر تعداد مهاجرت ها افزوده شود. هم اکنون در این روستا درمانگاهی با هزاران مشقت و با هزینه ای بیش از یک میلیون تومان ساخته شده است اما مدت هاست بدون استفاده مانده است، در حال حاضر بیماری سل در این منطقه بیداد می کند و اهالی هر روز شاهد مرگ تعدادی از کودکان و غیره می شود. هستند بدون آنکه بتوانند کاری برای جلوگیری از مرگ فرزندان شان بکنند. این موضوع بارها به غور کتبی و شفاهی به اطلاع مسئولین شهرستان مربوطه و مقامات دیگر رسیده است اما نتیجه ای عاید مانده است."

اهالی - اهالی روستای ولنی (اشکور) رودسر"

افزایش هولناك خودکشی و آدم کشی در کشور

"جوانی خود را از طبقه دم ساختمان پلاسکو بهائین برتاب کرد و جان سپرد."
"جوانی خود را از تیر چراغ برق خلق آویز کرد."
"جوانی ۲۰ ساله در پس قلعه خودکشی کرد."
"مردی ۴۵ ساله منتقامیکه خانواده اش خواب بودند خود را از نرده های حیاط منزل خلق آویز کرد و جان سپرد."
"مردی ۲۶ ساله خود را به آتش کشید."
"جوانی ۲۵ ساله، خودسوزی کرد و در بیمارستان درگذشت."
"دختر ۱۷ ساله با پاشیدن نفت به روی خود، خود را به آتش کشید."
"زنی ۲۴ ساله خودسوزی کرد و درگذشت."

(از جراید رژیم)

افزایش خودکشی و آدم کشی، شره شرایط سیاه و بحران زده ایست که بر تار و پود جامعه چنگ انداخته است. خودکشی پدرانی که از تأمین نان شب فرزندان خود عاجزند و زنانیکه ستم قرون وسطایی چنانشان را به لب می رساند، و نیز خودکشی دختران و پسران جوانی که هیچ گشایشی را در رژیم فقه برای آینده و زندگی خود نمی توانند، تصور بکنند، مضمون

رژیم برای لایوشانی فجایع اجتماعی در مطبوعات، ابعاد این تونه فجایع، طوری نیست که مطبوعات بتوانند تمامی آنرا در بگنیرند. تنها در فروردین ماه سال ۶۴، فقط در روزنامه کیهان، ۱۵ مورد خیر قتل منعکس شده که اکثراً در تهران اتفاق افتاده است. مقتولین عمدتاً، جوانان دختر و پسر هستند که اجداد سوخته و تکه پاره شان در بیابانهای اطراف شهرها کشف شده است. بسیاری از این موارد، توسط آدمکشان نهادهای سرکوب و ساواک رژیم اسلامی صورت می گیرد، بطوریکه تا بحال چندین مورد از اینگونه جنایتها توسط عمال رژیم، برملا شده است. عده ای دیگر از مقتولین زنان جوانی هستند که توسط شوهران خود به قتل می رسند. بیشتر این جنایتها، پیامد فقر و بیکاری حاکم بر میلیونها خانواده ایرانیست که عجزهای روابط خانوادگی را در هم می ریزد و به چنین نتایج ناگوار و دردناکی منجر می گردد. بعضی از قتلها هم توسط اعضا پاندهای ضد انقلابی افغانی صرفاً بخاطر دزدیدن یک قالیچه، الذو، انگشتر و یا مقداری پول و... صورت میگیرد. افزایش سرسام آور خودکشی و آدم کشی و فجایعی نظیر آن، چیزی نیست جز پیامد حاکمیت قرون وسطایی رژیم جمهوری اسلامی. از ابر سیاه رژیم "ولایت فقیه"، جز باران درد ورنج نخواهد بارید."

همه خودکشی ها است. آدم کشی نیز در ج.ا. کاه مسادیقی دارد که هزار بار رنجبارتر از خودکشی است: "شخصی بنام جمال... سه فرزند خود را برترک موتورسیکلت سوار کرد و به کنار رودخانه "کر" واقع در بندامیر شیراز برده و یکی را پس از دیگری به داخل آب انداخت. به گزارش خبرنگار کیهان، دو فرزند اولی شش ساله و یک و نیم ساله بودند. ویا "پدری درقم سه فرزند، ۷ و ۴ و ۲ ساله خود را خفه کرد." و... اخبار مدعی از این دست بسیار قابل تعمقند. علت پرپر شدن مظلومانه این کودکان چیست؟ از دیوسیرتی پدرانشان است، یا از دیوسیرتی نظام نفرت انگیزی که تبهکاران حاکم، آنرا "بهشت ولایت فقیه" می نامند؟

در کنار بحران روبه رشد اقتصادی و اجتماعی - روانی جامعه، عدم هر گونه امنیت اجتماعی، حاکمیت چاقو کشان و اراذل و اوباش در نهادهای سرکوبگر، حضور عده بسیاری از قاچاقچیان و جانیان افغانی، تحت عنوان مجاهد مسلمان، در سرتاسر کشور و... بکلی امنیت را از مردم سلب کرده است. با وجود توصیه های مکرر سردمداران

مصاحبه "اکثریت" بارفیک آنجلادیوس

در پایان تظاهرات بیستم آوریل در شهر لوس آنجلس از طرف خبرنگار "اکثریت" مصاحبه ای کوتاه بارفیک آنجلادیوس، عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست آمریکا به شرح زیر صورت پذیرفت:

س - همانطور که می دانید در هفته گذشته علیه جنگ بی سرانجام ایران و عراق تظاهراتی در شهرهای بزرگ ایران برپا بود. آیا شما پیامی در این رابطه دارید؟

ج - ما در همبستگی با مردم ایران هستیم و از حرکت انقلابی آنان پشتیبانی می کنیم. ما می دانیم که دشواریهای بسیاری در اثر اختناق و پیگرد عربیان وجود دارد این مسئولیت بین المللی ماست که همبستگی خود را با خواهران و برادرانمان در ایران اعلام کنیم.

س - امروز اعتراض بین المللی علیه سیاستهای جنگ طلبانه ریگان از چه نظر با اهمیت است؟

ج - خطری که اکنون با آن مواجه هستیم خطر از دست دادن آینده بشریت است. انهایی که برای حق تعیین سرنوشت مردم در جهان مبارزه می کنند نخست باید تضمین کنند که سیاره ای وجود خواهد داشت... و بنابراین ما باید توقف تقویت بنیه نظامی را تضمین کنیم. این مسئولیت ما است، نخستین وظیفه ما است.

در پایان تظاهرات بیستم آوریل در لوس آنجلس خبرنگاران اکثریت با عده ای از شخصیتهای جنبش صلح آمریکا گفتگوهای انجام دادند. از جمله آنها "اولین راسل" دبیر ائتلاف بیستم آوریل در لوس آنجلس، "اونیل کانون" مسئول آموزش حزب کمونیست آمریکا در لوس آنجلس، "ماکس گاندی" صدر شورای صلح آمریکا در لوس آنجلس و "کریک جکسون" عضو جنبش آفریقای جنوبی آزاد بودند. همگی آنها بر نقش جنبش صلح در روند انقلابی جهانی و نیز بر حمایت خویش از مبارزات مردم ایران تاکید کردند.

بزرگترین تظاهرات ضد جنگ در آمریکا پس از جنگ ویتنام

سخنرانی پرداخت وی در بخشی از سخنان خود گفت:

"ما در سراسر کشور تجمع کرده ایم تا پیام آشکاری به کاخ سفید بفرستیم.

... ما می گوئیم: به تجاوز نظامی ایالات متحده در آمریکای مرکزی پایان دهید! ... مردم نیکار اگوئه برخاسته اند تا جامعه ای عاری از گرسنگی، بی سواد، بیماری و سلطه امپریالیستی بوجود آورند و مردم السالوادور کاملاً محقق اند که کام در جای پای برادران و خواهران نیکار اگوئه ای شان بگذارند... ما پیامی به واشنگتن می فرستیم که ما بیکاری، تبعیض نژادی و جنسی در نابرابری دستمزدها که اساساً میلیاردها دلار فوق سود به جیب شرکت های انحصاری سرازیر می کند را تحمل نمی کنیم... ما می گوئیم بودجه نظامی را کاهش دهید، برای هر کس، از جمله افرادی که فاقد مدارک قانونی می باشند کار ایجاد کنید... ما می گوئیم جنگ ستاره ای نه، مذاکرات خلع سلاح ژنو آری.

... امسال چهلین سالگرد پیروزی بر فاشیسم است. دولت ریگان به این روز با تردید آشکاری برخورد می کند. آنها نمی خواهند مابه نقش قطعی اتحاد شوروی در شکست نازیسم پی ببریم...

ما همچنین دهمین سالگرد آزادی ویتنام را جشن می گیریم و آنهایی را که از توان ما برای پیشگیری ادامه مداخله ایالات متحده در آمریکای مرکزی در تردیدند به این واقعیت رجوع می دهیم که پانزده سال پیش صدها هزار نفر از ما به راهپیمایی پرداختند و خواهان پایان دادن به جنگ شدند. نقش ما در مجبور ساختن دولت به مذاکره به هیچ وجه ناچیز نبود. خواهران و برادران... اگر با همین شتاب به مبارزه خویش ادامه دهیم، مطمئناً موفق خواهیم شد از ایجاد ویتنامی دیگر در آمریکای مرکزی پیشگیری کنیم..."

در ماه آوریل بشریت مترقی دو پیروزی بزرگ را جشن گرفت: چهلین سالگرد پیروزی بر فاشیسم و دهمین سالگرد آزادی ویتنام. این دو جشن در شهرهای آمریکا همزمان و در روز ۲ آوریل انجام گرفت.

بیش از صد سازمان و گروه سیاسی و اجتماعی حول چهار محور ائتلاف بزرگی را برای برگزاری این تظاهرات عظیم به وجود آوردند که صدها هزار تن در شهرهای آمریکا در آن شرکت کردند. این محورها عبارتند از مخالفت با دخالت ایالات متحده در اوضاع داخلی کشورها، پایان دادن به مسابقه تسلیحاتی، ایجاد جامعه ای عادلانه و مخالف با آپارتاید.

"اولین راسل" یکی از دبیران ائتلاف بیستم آوریل در لوس آنجلس در پاسخ به سوال خبرنگار "اکثریت" درباره علت گستردگی و استقبال مردم از این تظاهرات می گوید:

"مردم امیدهای زیادی داشتند ولی امیدهای آنها تحقق نیافت. بیکاری همچنان ادامه دارد، مردم خانه ندارند، بودجه تحصیل همگانی کاهش می یابد، برنامه های اجتماعی برای سالخوردگان و خدمات درمانی کاهش می یابند، اوضاع در آمریکای مرکزی از نظر دخالت نظامی آمریکا، روز به روز حادثتر می شود. ما رئیس جمهوری مثل ریگان داریم که وسای یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام جنگ علیه نیکار اگوئه می کند. در آفریقای جنوبی جنبشی وجود دارد که علیه آپارتاید مبارزه می کند، اما در ایالات متحده از آن پشتیبانی میشود. حقوق زنان در آمریکای ملغی می شود همه اینها به هم می پیوندند. مردم می بینند که این موضوعات بهم مربوطند. تصور میکنم دلیل چنین حرکتی در امروز همین باشد."

در میتینگ شهر لوس آنجلس، رفیق آنجلادیوس عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست آمریکا به

بقیه از صفحه ۴

از رویدادهای ایران

آمار بازار گانی خارجی در سال ۶۲

سالنامه آمار بازار گانی خارجی ایران در سال ۱۳۶۲، از سوی اداره گمرک انتشار یافت. براساس آمار مندرج در این سالنامه، واردات کشور در سال ۶۲ از لحاظ وزن ۲۰۰۰۰۰۰۰ ریال و از لحاظ ارزش ۲۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال بوده که نسبت به سال ۶۱ از نظر وزن حدود ۳۵ درصد و از نظر ارزش ریالی حدود ۵۸ درصد افزایش داشته است.

در این سال، صادرات کشور برابر ۲۳۱۰۰۰۰۰۰ ریال و از لحاظ وزن ۲۳۱۰۰۰۰۰۰ تن بوده است.

یک تقسیم ساده نشان می دهد که در سال ۶۲، میزان واردات به لحاظ ارزش ۵۱ درصد و به لحاظ وزن ۸۷/۵ برابر میزان صادرات بوده است.

بیشترین ارزش واردات کشور در سال ۶۲ از کشورهای آلمان غربی (۱۹ درصد)، ژاپن (حدود ۱۷ درصد)، انگلستان (۶ درصد)، ترکیه (۴/۷ درصد)

درصد و ایتالیا (۴/۶) درصد بوده است

بیشترین صادرات کشور در سال مذکور به آلمان غربی (۲۰/۶ درصد)، امارات متحده عربی (۱۴ درصد)، آمریکا (۱۴ درصد)، شوروی (۱۱ درصد)، ایتالیا (۹/۲ درصد) و انگلستان (۴/۶ درصد) می باشد.

باید توجه داشت که در آماری که گمرک ارائه می دهد واردات سلاح و تجهیزات نظامی گنجانده نمی شود. در صورت به حساب آوردن این گونه واردات، نسبت صادرات به واردات بسیار قلیتر از آنچه می خواهد بود که در بالا ارائه شد.

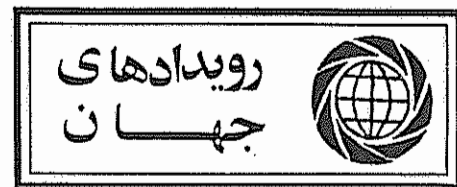
خشکسالی در ایران

گندمزارهای اطراف دریاچه هامون همه به صورت سوخته درآمده اند. هجوم ملخ ها و دیگر آفات نیز بر مشکل خشکسالی اضافه شده است. رژیم در برابر این فاجعه بی تفاوت مانده است. اخبار مربوط به خشکسالی به ندرت در مطبوعات رژیم درج می شود. خشکسالی به ویژه در نواحی شرقی ایران، کشاورزان و دامداران را مصیبت زده کرده است.

انتخابات ریاست جمهوری

حجت الاسلام ناطق نوری، وزیر کشور در یک مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی در روز شنبه ۲۸ اردیبهشت اعلام کرد تاریخ دقیق انتخابات رئیس جمهوری هنوز مشخص نیست. وی در این مورد گفت: "لایحه مربوط به انتخابات ریاست جمهوری شور دوم خود را در مجلس می گذارند و تا زمانی که این لایحه به تصویب نرسد، نمی توانیم تاریخ دقیق انتخابات را مشخص نائیم، اما مقدمات برگزاری انتخابات ریاست جمهوری از اوائل مردادماه آغاز خواهد شد."

ناطق نوری در این مصاحبه در مورد شرکت "نهضت آزادی" در انتخابات رئیس جمهوری گفت این جریان می تواند در انتخابات شرکت داشته باشد.



تاس: آمریکا حاضر به اقدامات مشخص برای خلع سلاح نیست

تاس خبرگزاری رسمی شوروی درباره دیدار اخیر آندره گرومیکو و جرج شولتز وزیر خارجه اتحاد شوروی و ایالات متحده در وین پایتخت اتریش می نویسد: "از اظهارات وزیر خارجه، جرج شولتز، چنین برنی آمد که طرف آمریکایی حاضر به تبدیل موضع گیری های دولت آمریکا به سود محدود کردن مسابقه تسلیحاتی به یک سیاست عملی باشد."

خبرگزاری شوروی می افزاید، در این دیدار از سوی طرف شوروی به ضرورت دست زدن به "تلاش های شدید برای قطع رشد گرایش های نامطلوب در امور جهانی و ایجاد چرخش مثبتی در مناسبات شوروی - آمریکا" اشاره شد. طبق این گزارش، گرومیکو در همین رابطه "از مشی کلی واشنگتن، به ویژه در مورد مسائل مربوط به امنیت (بین المللی)، انتقاد کرده و نسبت به موضع غیرسازنده طرف آمریکایی در مذاکرات ژنو پیرامون سلاح های هسته ای و فضایی ابراز نگرانی نمود."

در ادامه گزارش مزبور آمده است نماینده اتحاد شوروی بر ضرورت رعایت اکید توافق حاصله در ماه ژانویه درباره موضوع و اهداف مذاکرات ژنو تاکید ورزید، و افزود تحقق پیشنهاد ارائه شده از سوی میخائیل گارباجف، دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی مبنی بر توقف دوجانبه و فراگیر تولید و استقرار سلاح های هسته ای و فضایی می تواند نخستین گام مهم در مذاکرات ژنو باشد.

گرومیکو طی دیدار مزبور در وین خاطرنشان ساخت موضع طرف آمریکایی در قبال این پیشنهاد، معیاری برای ارزیابی سمت سیاست و اهداف آن در عرصه نظامی خواهد بود.

پایان دیدار دانیل اورتگا از ۱۴ کشور اروپایی

دانیل اورتگا رئیس جمهوری نیکاراگوئه از سفر به اروپا که طی آن در طول ۲۵ روز از ۱۴ کشور دیدار کرد، به کشورش بازگشت. وی پس از ورود به ماناگوا، بیلان مسافرت خود را بسیار مثبت ارزیابی نمود. اورتگا در یک کنفرانس مطبوعاتی که دوشنبه گذشته برگزار شد، تاکید کرد نتایج این دیدارها خلق نیکاراگوئه را در موضع خود مبنی بر عدم تسلیم در برابر سیاست واشنگتن تقویت می نماید. اورتگا افزود کشورهای سوسیالیستی سیاست آمریکا در قبال نیکاراگوئه را شدیداً محکوم کردند، و سایر کشورها نیز این سیاست را رد نمودند. اورتگا هم چنین اظهار داشت در مسکو مقامات شوروی به وی اطمینان داده اند اتحاد شوروی تامین نفت نیکاراگوئه در سال جاری را به عهده می گیرد.

مکزیک اعلام کرد که بدون توجه به تحریم اقتصادی نیکاراگوئه از سوی آمریکا، صادرات خود

را به این کشور در سال جاری ۴۵ درصد افزایش خواهد داد. این صادرات، به ویژه شامل ماشین آلات، لوازم یدکی، تولیدات صنعتی - کشاورزی و دارو خواهد بود.

دیدار نخست وزیر هند از مسکو

هفته گذشته راجیو گاندی نخست وزیر هند یک دیدار رسمی پنج روزه از اتحاد شوروی به عمل آورد. میخائیل گارباجف دبیرکل حزب کمونیست اتحاد شوروی و راجیو گاندی نخست وزیر هند یک قرارداد درازمدت درباره همکاری اقتصادی و علمی - فنی دو کشور امضا کردند. در مراسم امضای این قرارداد، گارباجف طی نطقی پیشنهاد نمود یک کنفرانس صلح آسیایی تشکیل شود و در همین رابطه به پیشنهادهای قبلی شوروی برای تبدیل اقیانوس هند به منطقه صلح، که هنوز هم معتبر است، اشاره کرد. نخست وزیر هند با اظهار نگرانی نسبت به نظامی کردن فزاینده منطقه اقیانوس هند، به منشور دملی اشاره نمود که همه دولت ها را به اقدام برای قطع مسابقه تسلیحاتی هسته ای در زمین و مسابقه تسلیحاتی در کیهان فرا می خواند. (این منشور از سوی روسای کشورها و دولت های هند، سوئد، یونان، تانزانیا، آرژانتین و مکزیک صادر شد).

لازم به یادآوری است همه پیشنهادهای کشورهای سوسیالیستی و غیرمتعهد برای غیرنظامی کردن منطقه اقیانوس هند از سوی آمریکا و متحدینش بدون پاسخ مانده است. آمریکا تاکنون توانسته است با کارشکنی، جلوی تشکیل یک کنفرانس بین المللی در مورد مسائل اقیانوس هند را بگیرد.

کشمکش برسر دلارهای آمریکایی در میان اشرار افغانی

مطبوعات غرب گزارش داده اند که "احزاب بنیادگرای اسلامی" و نیز احزاب "معتدل" و غرب گرای طرفدار سلطنت افغانستان که ستادهای خود را در پیشاور شهر مرزی پاکستان مستقر کرده اند، اسام نزدیک به ۵۰۰ میلیون دلار کمک نظامی برای جنگ علیه دولت انقلابی افغانستان دریافت خواهند کرد. اما منابع رسمی پاکستانی گفته اند این کمک به بیش از ۷۵۰ میلیون دلار بالغ خواهد شد. "میدل ایست" نشریه چاپ لندن می نویسد "سیا" آمریکا در "بزرگترین اقدام مالی خود از هنگام جنگ ویتنام" با پرداخت ۲۸۵ میلیون دلار به ضدانقلابیون افغانی موافقت کرده است، و انتظار می رود کشورهای محافظه کار عربی، به ویژه عربستان سعودی، از طریق پاکستان ۲۵۰ میلیون دلار به اشرار افغانی کمک کنند. مابقی پول، از سوی "دوستان خارجی" دیگر ضد انقلابیون تامین خواهد شد. در این میان، در غرب شمار کسانی که در مصرف مبالغ هنگفت مزبور در جهت منظور شده برای آن (یعنی جنگ علیه افغانستان انقلابی) ابراز تردید می کنند، رو به افزایش است. مثلاً چندی پیش سناتور آمریکایی گوردون هامفری به نمایندگی از سوی چند تن دیگر از همکارانش برنامه کمک به ضدانقلابیون افغانی را "ریخت و پاش" نامید، چرا که به گفته وی تنها ۲۰ درصد از این کمک به "مجاهدین" می رسد. وی خاطرنشان ساخت "بی لیاقتی" و فساد در میان احزاب ضد انقلابی

افغانی مستقر در پیشاور "ابعاد فضاحت بار" به خود گرفته است.

از سوی دیگر، میان احزاب ضدانقلاب افغانستان و مقامات پاکستانی نیز کشمکش بر سر این در گرفته که ۸۰ درصد بقیه مبالغ یاد شده به کجا می رود. احزاب نامبرده مدعی اند پول ها را در جیب مامورین پاکستانی، سلاح ها را در ارتش افغانستان (که آن ها را ضبط می کند) و بقیه کمک ها از قبیل کفش و دارو را می توان در بازار سیاه پاکستان یافت. اما گزارشهایی نیز منتشر شده است مبنی بر اینکه "جمعیت اسلامی پاکستان" کمک های همه جانبه مادی، از جمله کمک های تسلیحاتی از "جمعیت اسلامی" و "حزب اسلامی" افغانستان دریافت می کند. رژیم پاکستان در جریان این کمک ها قرارداد و از آنجا که "جمعیت اسلامی پاکستان" را متحد خود می داند، از آن جلوگیری به عمل نمی آورد. مقامات پاکستانی به نوبه خود به ثروت اندوزی رهبران احزاب ضدانقلابی افغانی از محل کمک های خارجی، سرمایه گذاری آنها در بخش حمل و نقل پاکستان و یا گشایش حساب در بانک های خارجی اشاره می کنند، و می افزایند بخشی از سلاح ها نیز در بازار سیاه پاکستان به فروش می رسد. ناظران معتقدند باتوجه به ابعاد عظیم مبالغ پرداختی، هم ادعاهای رهبران اشرار افغانی و هم اظهارات مقامات پاکستان که یکدیگر را متهم می کنند، درست است.

افزایش کمک های آمریکا و متحدینش به ضدانقلابیون افغانی، اشتها و حرص آن ها را زیادتر کرده است. مثلاً چندی پیش وقتی در پیشاور خبر رسیدن کمک های بیشتر منتشر شد، اعضای چندین گروه ضد انقلابی با یکدیگر به زد و خورد پرداختند. اعضای باند "اتحاد میانه رو" رهبران به نام "سبقت الله مجددی" را متهم کردند که به جای پرداخت مزد آن ها، پول ها را به حساب های خود در خارج واریز نموده است. میان تکتک گروه ها هم برای دریافت کمک بیشتر رقابت وجود دارد. حتی رهبران برخی از باندها علناً اعلام کرده اند برای تقسیم "عادلانه" تر سلاح ها، به کاروان های حامل سلاح های آمریکایی حمله می کنند.

نبردهای خونین در بیروت

بیروت پایتخت لبنان بار دیگر صحنه زد و خوردهای خونین شده است. درگیری میان نیروهای مسلح مستقر در اردوگاه های فلسطینی از یک سو، و شبه نظامیان "امل" از سوی دیگر، روز یکشنبه ۲۹ اردیبهشت آغاز شد و طی هفته گذشته، به کشته شدن لااقل ۱۰۰ نفر و مجروح گردیدن ۵۰۰ تن انجامید. علی رغم توافقی های مکرر در مورد برقراری آتش بس، زد و خوردها در طول هفته شدت گرفت. در این نبردها هر دو طرف از توپخانه نیز استفاده کردند.

رادیو بیروت گزارش داد تماس های سیاسی متعددی برای جلوگیری از ادامه برادرکشی برقرار شده است، که از جمله می توان از تماس میان نبیه بیری وزیر کابینه لبنان و رئیس "امل" و عبدالحلیم خدام معاون ریاست جمهوری سوریه نام برد. گزارش های رسیده حاکی است دامنه درگیری های بیروت به مناطق اطراف بندر صیدا در جنوب لبنان نیز گسترش یافته است.

مصاحبه "اکثریت" با ویلیام کاشتان، دبیرکل حزب کمونیست کانادا

کارخانه‌های آمریکایی در نزدیکی مرز کانادا است) امتیازاتی از آمریکا بگیرد. دولت ریگان در واقع خواهان یک موافقت نامه برای کل منطقه شمال آمریکا است که به غیر از کانادا و آمریکا شامل مکزیک نیز می‌شود. این موافقت نامه باید خواست امپریالیسم آمریکا را برای دسترسی به منابع طبیعی کانادا و مکزیک برای راه اندازی ماشین جنگی‌اش برآورده سازد. بنابراین مبارزه‌ای که در کانادا برای صلح در حال شکل‌گیری است دقیقاً مبارزه‌ای برای استقلال، حق حاکمیت و دفاع از منافع ملی است. دولت مالرونی در حال تسلیم و عقب نشینی در مقابل خواسته‌های امپریالیسم آمریکاست. در این رابطه مبارزه برای صلح، منافع ملی و دفاع از حق حاکمیت جبهه وسیعی از مردم کانادا را شامل می‌شود و هم پیمان‌های بیشتری برای طبقه کارگر به ارمغان می‌آورد. بنابراین می‌توان گفت بازدید ریگان کانادا را به خواسته‌های امپریالیسم نزدیک‌تر کرد و این نزدیکی حق حاکمیت و استقلال کانادا را به خطر خواهد انداخت.

س: همانطور که مطلع هستید، هزاران میهن‌پرست و انقلابی ایرانی توسط رژیم جمهوری اسلامی اعدام شده‌اند، اخیراً یکی از رهبران سازمان ما توسط رژیم به شهادت رسید. لطفاً امکانات کمونیست‌های کانادا را جهت افشای این رژیم بیان نمایند.

ج: ما حمایت کامل خود را از فدائیان خلق ایران و حزب توده ایران و نیروهای وطن‌دوست که در مقابل ارتجاع ایران ایستاده‌اند اعلام می‌کنیم. وظیفه ما در کانادا رساندن اخبار ایران به طبقه کارگر و نیروهای دموکرات است و این وظیفه بزرگی است. ما می‌پذیریم که آنچه تاکنون در این راستا انجام داده‌ایم، کافی نیست، عمدتاً در رابطه با مشکلات پیچیده‌ای که در مقابل سازمان فدائیان خلق و حزب توده ایران وجود دارند. اما در آینده برای شناسایی و افشای رژیم جمهوری اسلامی و شناساندن شرایط و اوضاع ایران به جنبش طبقه کارگر و نیروهای دموکرات کانادا همکاری که در توانمان باشد، انجام خواهیم داد.

اتخاذ یک سیاست اقتصادی-اجتماعی جدید برای کانادا است. این سیاست از سوئی باید پاسخگوی مشکلات روزافزون از قبیل بیکاری و فقر و نابرابری باشد و از سوی دیگر باید بتواند به خواسته‌های مردم فرانسه زبان کانادا و اهالی بومی کانادا برای احقاق خواسته‌های ملی‌شان پاسخ دهد. برای تحقق این خواسته‌ها لازم است دولت کانادا ده میلیارد دلار سرمایه‌گذاری نماید.

این درخواست در جهت استحکام استقلال کانادا است. این درخواست برخوردی خواهد بود با کرایه‌هایی که حقوق زحمتکشان را نادیده می‌گیرند. این هدف، حداکثر اتحاد و همکاری طبقه زحمتکش را می‌طلبد، در این چهارچوب می‌بایست همه راه‌های ممکن از جمله پارلمان و انتخابات و خارج از آن را آزمود. بهر حال جنبش توده‌ای مردم در این رابطه نقش تعیین‌کننده بازی خواهد کرد. این جنبش تأثیر مستقیم بر روی سیاست کشور دارد و برای دولت مالرونی (نخست وزیر محافظه‌کار کانادا) در اعمال سیاست‌های راست‌روانه مانع ایجاد می‌کند. در مجموع کنگره وظیفه مهمی را به انجام رسانید و به مسئولیتش به عنوان کنگره حزب طبقه کارگر پای بند ماند.

س: با توجه به سفر اخیر ریگان به کانادا و تلاش‌های او برای کشاندن هر چه بیشتر کانادا به دایره مبارزه تسلیحاتی، آینده کانادا و نیز نقش حزب کمونیست کانادا را چگونه می‌بینید؟

ج: دیدار ریگان از کانادا در واقع ادامه فشاری است که آمریکا برای هر چه بیشتر نزدیک‌تر کردن کانادا به سیاست خارجی و استراتژی اتمی خود اعمال می‌کند. این سیاست عمدتاً بر دو محور استوار است:

۱- استراتژی جهانی امپریالیسم آمریکا، تلاش برای محاصره و منزوی کردن و شکست سوسیالیسم

۲- نابودی انقلابات رهایی‌بخش ملی.

دولت کانادا با حمایت از سیاست‌های آمریکا امیدوار است که در روابط بازرگانی و آلودگی محیط‌زیست کانادا (که عمدتاً معلول وجود

چندی پیش بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست کانادا با موفقیت برگزار گردید. به منظور آشنائی خوانندگان اکثریت با مباحث مطروحه در این کنگره، گفتگویی با رفیق ویلیام کاشتان دبیرکل حزب کمونیست کانادا صورت گرفت. رفیق کاشتان در این گفتگو علاوه بر تشریح دستور کار کنگره، به سؤالاتی در زمینه اوضاع کنونی کانادا و اقدامات حزب کمونیست در پشتیبانی از مردم ایران پاسخ گفت.

* * *

س: رفیق کاشتان، بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست کانادا دو هفته پیش به پایان رسید لطفاً ارزیابی خود را از کنگره بیان کنید.

ج: در ابتدا باید بگویم که این گردهمایی بسیار پر شور و الهام‌بخش بود. بانظری به کثرت نمایندگان که سفرانی نمودند می‌توان دریافت که کنگره تا چه حد دموکراتیک بودن نکته برجسته دیگر در این کنگره اتحاد و همصدایی کامل شرکت‌کنندگان در اصولی بود که ما در طول زندگی حزبی‌مان به آن معتقد بوده‌ایم. این اتحاد با الهام‌گیری از انترناسیونالیسم پرولتری و مارکسیسم لنینیسم بر دو پایه استوار بود:

۱- موضع رابح طبقاتی

۲- موضع رابح بین‌المللی

حضور ۶۰ نماینده شرکت‌کننده از کشورهای مختلف و دریافت دهها پیام تبریک، بازگو کننده شخصیت بین‌المللی کنگره بیست و ششم حزب ما بود. در مجموع می‌توان گفت، این کنگره کامی بزرگ به پیش بود. کنگره بدرستی بر دو نکته تأکید کرد که نخستین آن مبارزه برای صلح و برعلیه آخرین تهدید دولت ریگان که همانا پروژه "جنگ ستارگان" است، می‌باشد و تأکید بر ضرورت تلاش برای برپایی جنبش گسترده مردمی در کانادا باخواست عدم دخالت کانادا در پروژه "جنگ ستارگان". در واقع این مسئله هماهنگ با مبارزه سرتاسری بر علیه استراتژی هسته‌ای دولت ریگان می‌باشد. کنگره توافق کرد که شعارهایمان در این رابطه در سطحی وسیع پخش شود. دومین نکته ضرورت

"جرگه بزرگ"...

بقیه از صفحه اول

جنگ جهانی دوم بکشاند و از طریق افغانستان به شرق اتحاد شوروی حمله ور شوند علیرغم تمایلات سلطنت پاسخ منفی داد. در سال ۱۳۲۴ "جرگه بزرگ" حمایت خود را از مبارزات حق طلبانه خلق‌های پختون و بلوچ برای حق تعیین سرنوشت ابراز داشت و یک بار دیگر اراده خلق‌های افغانستان را بر گسترش مناسبات افغانستان-شوروی یادآور شد.

اینک در آغاز هفتمین سال پس از انقلاب شور بار دیگر اجلاس "جرگه بزرگ" برگزار گردید و با شور و شوق توده‌های وسیع مردم روبرو گردید. صدها هزار نفر از زحمتکشان شهر کابل در حمایت از آن اقدام به راهپیمایی و تظاهرات نمودند. از میان ۱۷۹۶ نماینده شرکت‌کننده در جلسه، ۱۱/۶ درصد را

کارگران، ۲۶ درصد را دهقانان، ۲۲ درصد را روشنفکران، ۲ درصد را روشنفکران، ۲ درصد را سرمایه‌داران ملی، ۱۱ درصد روحانیون و ۲۵/۴ درصد را ریش‌سفیدان محلی و بزرگان و شخصیت‌های قبایل تشکیل می‌دادند.

رفیق ببرک کارمل طی سخنرانی خود خطاب به جرگه بزرگ گفت: "همه ما و شما را عشق سوزان نسبت به وطن، تأمین صلح سراسری، سرنوشت مشترک و آینده نسل‌های کشور، اینجا گرد هم آورده است. ما در برابر تاریخ جوابگو خواهیم بود. "لویه جرگه" حاضر باید در قلب تاریخ پرتلاطم و انقلابی معاصر کشور ما جای گیرد. نام "لویه جرگه" حاضر باید هم ردیف نام پاک صلح، آزادی، ترقی و نام زیبا و پرافتخار کشور افغانستان باشد."

"جرگه بزرگ" در فضایی آکنده از وحدت و

همبستگی سه سند مهم: قطعنامه لویه جرگه، "پیام به خلق‌های زحمتکش افغانستان" و پیام به دبیرکل سازمان ملل متحد را به اتفاق آرا تصویب نمود. پیام "جرگه بزرگ" پیام توده‌های عظیم مردمی است که امروز با درک حقانیت انقلاب شور و با تکیه بر هفت سال تجربه انقلابی و ارتقا درک سیاسی خود خواهان برقراری صلح و پایان دادن به جنگ و برادرکشی تحمیلی از طرف ضدانقلاب-جهانیند.

AKSARIYAT
NO. 58
MONDAY MAY, 27, 85
Address: آدرس:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا!